



Women Write War: A Thematic Analysis of Women's Literary and Media Accounts of the Twelve-Day War

Fatemeh Ghasempour¹ | Soghra Ashuri²

1. Assistant Professor, Department of Social Studies, Women and Family Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: ghasempoor@wrc.ir

2. Corresponding Author, PhD Student, Department of Women and Family Studies, Faculty of Iranian Islamic Lifestyle, Islamic Revolution University, Tehran, Iran. E-mail: soghraashuri@uir.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Feminine Writing,

Feminine Agency,

Media narrative,

Oral History,

Twelve-Day War.

ABSTRACT

The twelve-day imposed war, which occurred with the attack of the Zionist regime and the direct participation of the US government at dawn on June 13, 2025, produced manifestations of public participation. Although this war was unexpected for the general public, it nevertheless generated scenes, some of which have been documented through the lens of oral history. The aim of this study is to examine the brief notes composed by a collective of female authors regarding the lived experiences of women and their families during the twelve-day war. The primary and secondary themes in these notes were categorized after the initial data was collected using qualitative thematic analysis. The notes under study were those that were published by female authors on the domestic messaging platforms 'Baleh' and 'Eitaa.' Five secondary themes were identified through the examination of the initial data: 'emotion-oriented subjectivity,' 'feminine analytical historiography,' 'conscious role-playing,' 'familial cost for the homeland,' and 'socio-national responsibility.' The study's findings suggest that Iranian women's subjectivity was both active and multifaceted during the twelve-day war. In most of the notes written, Iranian women during the twelve-day war were narrated not as victimized objects, but as subjects with multifaceted agency. The findings underscored the fact that the agency of Iranian women was designed to challenge the enemy's dominance. The primary objective of Iranian women's resistance against the invading enemy was not merely to safeguard the country's territorial integrity, but also to safeguard the independence of the Iranian human being in their religious-national identity.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press.



زن در توسعه و سیاست

زنانه‌نویسی جنگ: تحلیل مضامین روایت‌های ادبی-رسانه‌ای زنان از جنگ دوازده‌روزه

فاطمه قاسم‌پور¹ | صغری عاشوری² ✉

1. استادیار گروه مطالعات اجتماعی، پژوهشکده زن و خانواده، تهران، ایران. رایانامه: ghasempoor@wrc.ir

2. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده سبک زندگی ایرانی-اسلامی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

soghraashuri@cuir.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

جنگ تحمیلی دوازده‌روزه که با حمله رژیم صهیونیستی و مشارکت مستقیم دولت آمریکا در بامداد 23 خرداد 1404 آغاز شد، آثاری از مشارکت مردمی خلق کرد. این جنگ در سطح جامعه غافلگیرانه بود. با این حال صحنه‌هایی را پدیدار ساخت که برخی از آن‌ها با قلم تاریخ شفاهی به ثبت رسیده‌اند. در این پژوهش هدف آن است که یادداشت‌های کوتاهی که جمعی از زنان نویسنده از تجربه زیسته زنان و خانواده‌هایشان در جنگ دوازده‌روزه به نگارش درآورده‌اند، بررسی شود. پس از گردآوری داده‌های اولیه به روش تحلیل مضمون کیفی، مضامین اولیه و ثانویه این یادداشت‌ها دسته‌بندی شدند. یادداشت‌ها منتشر شده از زنان نویسنده در پیام‌رسان‌های داخلی «بله» و «اینا» بود. از تحلیل داده‌های اولیه، پنج مضمون ثانویه به دست آمد که عبارت‌اند از: «سوژه عاطفه‌محور»، «تاریخ‌نگاری تحلیلی زنانه»، «نقش آفرینی آگاهانه»، «هزینه خانوادگی برای وطن» و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی-ملی». نتیجه پژوهش بیانگر سوژه فعالانه و چندوجهی زنان ایرانی در خلال جنگ دوازده‌روزه بود. در عمده یادداشت‌های نگارش شده، زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه، نه به‌عنوان یک ابژه قربانی شده، بلکه سوژه‌ای با عاملیت چندوجهی روایت شده‌اند. یافته‌ها بر این اصل تأکید داشت که عاملیت زنان ایرانی در راستای تقابل با سلطه دشمن بود. جدال اصلی زنان ایرانی با دشمن مهاجم، نه صرفاً برای حفظ تمامیت سرزمینی کشور، بلکه برای دفاع از استقلال انسان ایرانی در هویت دینی-ملی بروز پیدا کرد.

نوع مقاله:

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی، جنگ دوازده‌روزه، روایت رسانه‌ای، زنانه‌نویسی، سوژگی زنان.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، 2 (4)، 1-20.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

1. مقدمه

سوژگی¹ دیگر معنا و مفهوم سابق را ندارد، بلکه مجموعه‌ای پیچیده از کنشگری‌هایی است که انسان‌ها بنا بر نقش‌های متعددی که در آن جای می‌گیرند ایفا می‌کنند و بروز می‌دهند. سوژگی آمیخته‌ای از کنش‌های مبتنی بر تصمیم خودآگاهانه یا ناآگاهانه‌ای است که در نهایت به انتخابی مسئولانه می‌انجامد. اگرچه این مفهوم در مکاتب مختلف تعاریف متفاوتی پیدا می‌کند، اما آنچه در تعریف سوژگی مسلم است آن است که مؤلفه‌ای مهم در تمایز میان انسان و سایر موجودات به‌شمار می‌رود (Hall, 2017: 180-188).

در جامعه ایرانی، عاملیت زنان با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ معنایی تازه پیدا کرد. این عاملیت در ادامه رویکردی بود که پیش از این، زنان از خود نشان داده بودند و تحسین بنیان‌گذار انقلاب اسلامی را به همراه داشت. ایشان حضور زنان در صفوف مبارزه با رژیم پهلوی را بی‌بدیل دانستند و فداکاری زنان شجاعی را که با طفل شیرخوار در برابر مسلسل و تانک رژیم دست از مبارزه برنداشتند، تحسین کردند (Khomeini, 2010, Vol. 3: 512). ایشان در ادامه، مشارکت گسترده زنان در انقلاب را مشارکتی فعال و بی‌نظیر توصیف کردند. به تعبیر امام خمینی، بانوان ایرانی در ایجاد جمهوری اسلامی نقش مهمی داشتند و در این نهضت سهیم بوده‌اند. امام خمینی حتی نقش زنان در انقلاب اسلامی را نقش صفاولی مبارزه خواندند و حضور آن‌ها را علت تشجیع مردان برای پیگیری جدی نهضت معرفی کردند (Khomeini, 2010, Vol. 9: 501). به اعتقاد ایشان، نهضت انقلاب اسلامی مرهون زنان بوده است و زنان طبق نگاه بلند بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، این توان را دارند که قدرتی شیطانی را در هم بشکنند (Khomeini, 2010, Vol. 7: 339).

جنگ به‌عنوان پدیده‌ای انسانی یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخی هر کشوری است. این نقطه تاریخی پراهمیت به‌دلیل شرایط ویژه و حساسی که جامعه را دربرمی‌گیرد می‌تواند مجال مناسبی برای واکاوی عاملیت و میزان تأثیرگذاری زنان بر جامعه باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت وضعیت تاریخی و اجتماعی هر کشور، مطالعه روایت‌های ادبی مردم آن است. مرجع بسیار مهمی که بررسی آن امکان شناخت ظرفیت‌های کنشگری زنان در جوامع مختلف از جمله ایران را فراهم می‌کند، روایت‌های ادبی در گونه‌های مختلف است (Zavarian, 2024: 32).

در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده درباره نقش زنان در جنگ‌ها، به‌خصوص زنان در کشورهای مورد تهاجم بیگانه، آنچه بیش از پیش مورد تأکید است، ترسیم زنان به‌عنوان قربانیان و اقشار آسیب‌دیده از جنگ است (Mohammadi et al., 2025; Haghshenas, 2025; Yousefi Taha et al., 2023). این در حالی است که جنگ روی دیگری نیز دارد که در آن زنان، کنشی مؤثر و مسئولانه در جامعه و تاریخ معاصر ایفا می‌کنند.

با وقوع جنگ تحمیلی دوازده‌روزه، علی‌رغم آنکه اینترنت جهانی بنا بر مصالح عمومی مسدود شده بود، اما اینترنت ملی و پیام‌رسان‌های داخلی متصل بودند. در این بازه زمانی، زنان ایرانی به‌طور قابل‌توجهی در قالب نوشتن یادداشت‌هایی از جنگ، در پیام‌رسان‌های داخلی اقدام به انتشار یادداشت‌های جنگی کردند. در این یادداشت‌ها گونه‌های مختلفی از کنش‌های فعالانه زنان ایرانی در بستر پیام‌رسان‌های بله و ای‌تا گزارش شد. بررسی این یادداشت‌ها برای روشن‌تر شدن لایه‌های عمیق سوژگی زنان در جنگ دوازده‌روزه دارای ارزش ویژه‌ای است. اهمیت پژوهش حاضر از آنجا است که در تلاش برای روشن کردن گونه‌های مختلف نقش‌آفرینی زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه تحمیلی بر کشور است. پژوهش حاضر با بررسی یادداشت‌های زن‌نوشت که به‌طور حرفه‌ای به نویسندگی مشغول بودند، به استخراج صورتبندی کنش‌های فعالانه زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه به‌عنوان نقطه

مهم تاریخی در جغرافیای خاورمیانه و محور مقاومت می‌پردازد. در نهایت نیز سوژگی زنان ایرانی در لایه‌های مختلف در جنگ اخیر شفاف می‌شود.

زنانه‌نویسی^۱ جنگ بخشی از تاریخ معاصر ایران را شکل می‌دهد. از این رو می‌توان روایت‌های مکتوب زنان نویسنده در جنگ دوازده‌روزه را بخشی مهم از تاریخ معاصر، به‌ویژه تاریخ شفاهی^۲ کشور دانست. این امر خود یکی از لایه‌های مهم سوژگی زنان ایرانی در طول جنگ دوازده‌روزه است. انعکاس این یادداشت‌ها در طول جنگ و حوادث عظیمی که در دل آن رخ داد، آثاری را در فضای رسانه‌ای، خبری و هنری کشور برجای گذاشت که بر جامعه ایرانی اثر گذاشت. در پژوهش حاضر، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که سوژگی زنان^۳ ایرانی در جنگ دوازده‌روزه چگونه پدیدار شده است. پاسخ به پرسش اصلی، فهم کنشگری زن ایرانی را به‌عنوان عنصر مؤثر در تاریخ‌سازی ملی و تمدنی آشکار می‌سازد. از آنجا که یادداشت‌ها خود روایت‌گر کنش‌های زنان در ایام جنگ هستند، با استفاده از سه کانال فعال نویسندگی «ریحانه»، «باشگاه ادبی بانوی فرهنگ» و «دوره‌مگرام؛ شبکه زنان روایت‌گر» که در بازه زمانی 23 خرداد تا 31 تیر یادداشت‌هایی منتشر کردند، پژوهش حاضر انجام گرفت.

2. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌ها درباره محتوای زنانه‌نویسی جنگ یا نزدیک به آن بیانگر آن است که در ایران پژوهش‌های قابل‌توجهی در این زمینه انجام شده است. این پژوهش‌ها با محوریت ادبیات و زبان فارسی بوده است. محور مطالعات خارجی نیز کشف و بررسی آسیب‌های اجتماعی به زنان در مواجهه با جنگ است. این مقالات به‌طور مشخص‌تر در بخش پیشینه تجربی بیان شده‌اند. بررسی‌ها بیانگر این بود که بیشتر پژوهش‌ها درباره رمان، مطالعات تطبیقی و دانش کلی جنگ و جنسیت بوده است. نکته قابل‌تأمل آن بود که در مقالات انگلیسی، نقش زنان در جنگ‌ها به‌طور ویژه بیشتر از مقالات داخلی مورد توجه بود. این امر سبب بررسی زنان در پدیده جنگ شد. در مقالات عربی، زنان در پدیده جنگ اغلب به‌صورت عنصر حاشیه‌ای مطالعه شده‌اند، حتی در پژوهش‌هایی که درباره غزه و طوفان‌الاقصی انجام شده است. در پژوهش‌های داخلی درباره زنان و هشت سال دفاع مقدس، نقش زنان در قالب امدادگر، رزمنده و همسر رزمنده در منطقه عملیاتی بررسی شده است. کنش‌های قابل‌توجهی از زنان ایرانی در آثار مکتوب از هشت سال دفاع مقدس منعکس شده است. اما به‌صورت ویژه، کنش‌های زنان ایرانی در ایام دفاع مقدس صورت‌بندی نشده، بلکه مضامین زندگی‌نامه و خاطرات آنان استخراج و تحلیل شده است. از سوی دیگر، سوژگی زنان ایرانی در جنگ‌های تحمیلی، جز در مواردی که خاطرات خودنویسته از برخی زنان نویسنده است، شفاف و عیان نشده است. در این پژوهش این خلأ پوشش داده می‌شود.

2-1. پیشینه تجربی

بجوردال^۴ و منرگن^۵ (2025) در «تولید دانش جنسیتی از جنگ» عاملیت زنان را به‌طور کاملاً انتقادی در گستره وسیع جغرافیایی مشخص مطالعه کردند. این پژوهش که به روش کیفی و تحلیل تطبیقی-انتقادی انجام شد، به بررسی عاملیت زنان در

1. Feminine Writing
2. Oral History
3. Feminine Agency
4. Björkdahl
5. Mannergren

کشورهای درگیر جنگ‌های اخیر از جمله کلمبیا، فلسطین اشغالی، لیبیا، مالی، میانمار، نپال، آمریکای شمالی، شمال عراق و اوکراین پرداخت. داده‌های این پژوهش چارچوبی را برای برقراری صلح و امنیت با محوریت زنان پدید آورد. تفاوت پژوهش بجزوردال و منرگن با پژوهش حاضر، در نقطه سوژگی زن در جنگ به‌عنوان یک کنشگر است. بجزوردال و منرگن زن را قربانی جنگ‌ها دانسته‌اند، نه یک سوژه فعال و نقش‌آفرین؛ در حالی که در پژوهش حاضر این نگاه اساساً رد شده است.

استفانلی^۱ و اسکورزیسکا^۲ (2025) در مطالعه «زخم‌های جنگ: مهاجرت، امنیت و آینده‌ای پایدار» آسیب‌های جنگ به بازماندگان را در کشورهای درگیر جنگ از جمله فلسطین اشغالی، سوریه، اوکراین، هایتی و کنگو را بررسی کردند. در این پژوهش به زنان و کودکان حاضر در جنگ به‌عنوان قربانی نگریسته شد. داده‌ها نشان داد قدرت مخرب جنگ صرفاً بر آدمیان تأثیرگذار نیست، بلکه بر محیط‌زیست، ملت‌ها و فرهنگ‌های بومی‌شان تأثیرگذار است. پژوهش استفانلی و اسکورزیسکا نیز جنگ را پدیده‌ای مردانه و مخرب و درنهایت زنان، کودکان و محیط‌زیست را قربانیان خشونت‌ورزی مردان معرفی کرد. این امر در راستای نقش کلیشه‌ای و پرتکرار درباره زنان در جنگ است. در پژوهش حاضر، نوع نگاه به زن در جنگ، سوژگی زن را نشان می‌دهد؛ سوژگی‌ای که در آن زن ایرانی ابعاد جدیدی از فاعلیت زنانه را به نمایش گذاشته است.

بشاره (2024) در بررسی «طوفان، جنگ با فلسطین در غزه» ابعاد تاریخی-اجتماعی و سیاسی جنگ فلسطین با رژیم صهیونیستی و وقایع رخ داده از عملیات طوفان‌الاقصی را مطالعه کرد. روش پژوهش کیفی با راهبرد پدیدارشناسی است و از جامعه فلسطینی ساکن غزه در جنگ طوفان‌الاقصی می‌گوید. در پژوهش بشاره، زن و کودک فلسطینی نه متن که حاشیه بررسی‌ها و پرداخت‌های نویسنده‌اند. در این پژوهش نیز اگرچه تلاش شده حرکت‌هایی از زنان در قالب زن فلسطینی کنشگر ارائه شود، اما این حرکت‌ها لزوماً پرتکرار و بعضاً جمعی نبوده‌اند. به عبارت دیگر آنچه در این پژوهش پررنگ است، قربانی بودن زن فلسطینی در جنگ با اشغالگران قدس بوده است؛ لنز پرتکراری که در اغلب پژوهش‌ها درباره زنان در جنگ مورد استفاده بوده است.

اودیت^۳ (1993) در مقاله «زنان نویسنده نیروهای مبارز، هویت و ایدئولوژی در جنگ جهانی اول» جنگ جهانی را دالان زمانی پرمخاطره‌ای برای زنان ترسیم کرد که هویت، ایدئولوژی و جایگاه اجتماعی آنان را دستخوش تغییرات بنیادین قرار می‌دهد. این پژوهش به روش کیفی و مردم‌شناسانه انجام گرفت. محتوای مورد بررسی در این پژوهش، کتاب‌های تاریخی، نشریات و خاطرات برجای‌مانده درباره زنان اروپایی در عصر جنگ جهانی اول است. این پژوهش قائل به آن است که در جنگ جهانی اول به دلیل اعزام گسترده مردان اروپایی به جنگ، زنان چرخ صنعت را در کارخانه‌ها می‌چرخاندند و بار زندگی خانوادگی را به دلیل غیبت همسرانشان بر دوش می‌کشیدند. این پژوهش کنش زنان در پشت جبهه را امری در راستای تغییر جایگاه اجتماعی و خانوادگی‌شان تعریف و آن را امتداد مبارزات جنسیتی زنان اروپایی تلقی کرد. تفاوت مهم پژوهش حاضر با پژوهش اودیت در این است که واکاوی فاعلیت زنان در جنگ در راستای مبارزات جنسیتی نبوده است.

محمدی و همکاران (1403) در مطالعه «انزوا و بقای ناگزیر زنان در دوران جنگ و پساجنگ: مطالعه‌ای کیفی در افغانستان» تجربه جنگ را در میان زنان بازمانده از جنگ افغانستان بررسی کردند. مطابق نتایج، جنگ افغانستان از منظر زنان افغانستانی عایدی‌ای جز انزوای آنان در زندگی فردی و اجتماعی نداشته است. علت این انزوا نیز احساس بی‌ارزشی، انگ، اضطراب بیوگی، گسست زنانه و بقای ناگزیر است. در پژوهش محمدی و همکاران، زن افغانستانی که قربانی سنت‌های افغانستان بوده، اکنون قربانی جنگ نیز شده است و این به دلیل ازدست‌دادن همسر در جنگ و داغ بیوگی است. به عبارت دیگر زن افغانستانی موجودی فاقد هر نوع عاملیت در هر درجه تلقی شده که جنگ نیز او را به انزوایی غیرقابل تصور کشانده است؛ درحالی که در پژوهش حاضر

1. Stefanelli

2. SKO' RZYN' SKA

3. Ouditt

زن ایرانی در فرهنگ ایرانی، درجات قابل‌تأملی از سوژگی را دارد که در جنگ، با تمام خشونت‌هایش، نقش فعال‌تری ایفا کرده است.

زوریان (1403) در «تحلیلی نشانه-پدیدارشناختی از داستان‌های کوتاه جنگ نوشته زنان» به روش نشانه-پدیدارشناسی و با هدف فهم و ترسیم فضای حاکم بر زمان تدوین و نگارش داستان‌های کوتاه جنگ، به این نتیجه رسید که تلاقی آثار خونبار و پرهزینه جنگ با فرهنگ حاکم بر جامعه توانسته لایه‌هایی از هویت زن ایرانی درگیر در جنگ تحمیلی را نمایان کند. این پژوهش نشان داد زنان ایرانی به مقوله‌هایی مانند زندگی، مرگ و عشق نگاه بنیادینی دارند که این نگاه در نشان‌های هویتی آنان نقش بسزایی ایفا می‌کند. در پژوهش زوریان، پیش‌فرض کنش فعالانه زن ایرانی در جنگ به‌طور پررنگ دیده شده است. با قبول این پیش‌فرض، بدون ترسیم دقیق‌تر ابعاد سوژگی زن ایرانی، ریشه‌ها و علت‌های سوژگی زن ایرانی کشف شده است. در پژوهش حاضر، علاوه بر ترسیم ابعاد سوژگی زن ایرانی، نقش‌های متعدد زن ایرانی در خانواده و جامعه نیز در نشان‌های فاعلیت زن در جنگ ملاحظه و تبیین می‌شود.

خالق‌زاده و ولایتی (1399) «نقش زن در ادبیات جنگ تحمیلی» را مطالعه کردند. در این پژوهش که به روش کیفی تحلیلی-کتابخانه‌ای انجام شد، هدف بررسی کمیت و کیفیت حضور زنان در نقش‌های مختلف اعم از مادر، همسر، امدادگر و... در دفاع مقدس هشت‌ساله در ادبیات معاصر ایران بود. بررسی‌ها نشان‌دهنده آن بود که زنان، چه به‌عنوان نویسنده آثار دفاع مقدس و چه به‌عنوان شخصیت‌های اثرگذار، نقش پررنگی به‌لحاظ کمیت و کیفیت داشته‌اند و آثار آنان به‌طور چشمگیری در ادبیات معاصر ایران افزایش یافته است. در این پژوهش آنچه پررنگ است، نقش زنان در ادبیات حماسی ایران با تأکید بر دفاع مقدس هشت‌ساله است؛ بنابراین مباحث اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌ای که زنان در جنگ بر آن اثرگذار بوده‌اند، به‌عنوان سوژه فعال در صحنه کمتر دیده شده است. در پژوهش پیش‌رو، نقش زنان در جنگ دوازده‌روزه به فراخور هجوم گسترده به شهرها، به‌خصوص پایتخت، نقش پشت جبهه‌ای مانند دفاع مقدس هشت‌ساله نبود. زن ایرانی در جنگ دوازده‌روزه زن فعال در خط‌مقدم مورد هجوم دشمن بود.

در مطالعه برادران جمیلی و شهرداری (1399) با عنوان «بازاندیشی خودنگاره‌های جنگ زنان ایرانی و آمریکایی از منظر نقد جغرافیایی (ژئوکریتیسیسم): دا و قانون شماره دو»، هدف دستیابی به دریچه‌هایی جدید از هشت سال دفاع مقدس و جنگ آمریکا و عراق بود. در این راستا، دو زندگی‌نامه از یک زن ایرانی و یک زن آمریکایی، که در جنگ‌های مذکور حضور داشتند، مطالعه شد. نتایج بیانگر آن بود که زندگی‌نامه‌های خودنوشت زنان، به دور از فضای رسانه‌ای مورد قبول حاکم کشورها، انعکاس واقعیت‌های جنگ را واقعی‌تر و باورپذیرتر بیان می‌کند. از مزیت‌های نقد این زندگی‌نامه‌های خودنوشت زنانه از منظر جغرافیایی (ژئوکریتیسیسم)، این است که واقعیت‌های جغرافیایی‌ای را که از چشم نویسنده پنهان مانده به‌طور ویژه‌ای بیان می‌کند. پژوهش برادران جمیلی و شهرداری با بهره‌گیری از نگاهی تطبیقی-انتقادی به زندگی‌نامه‌های خودنوشت دو زن فعال در جنگ، از دو کشور با دو فرهنگ مختلف است. محور اصلی بررسی نیز نقد جغرافیایی روایت‌های آنان است. تفاوت پژوهش حاضر با این مطالعه، تلاش برای فهم عمیق سوژگی زنان ایرانی است. به این ترتیب می‌توان گفت تمایز پژوهش حاضر با پژوهش برادران جمیلی و شهرداری در نگاه بنیادینی است که نوع بازتصویر زنان ایرانی در جنگ دارد.

تفاوت پژوهش پیش‌رو با پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی این است که به فهم عاملیت زنانه در جنگ دوازده‌روزه از طریق کنشگری آنان با نگارش یادداشت‌ها یاری می‌رساند. به عبارت دیگر، یادداشت‌های زن‌نوشت که محصول کنش زنان نویسنده معاصر از این جنگ است، که با قلم و حضورشان در مناطق پرخطر برای نگارش روایتی تاریخی رقم خورده، نه صرفاً یک کنش

فردی بلکه کنشی اجتماعی با اثر بلندمدت درباره تاریخ‌نگاری از جنگ دوازده‌روزه و انتقال مفاهیم آن به آیندگان است. همچنین نگارش یادداشت‌های منتشرشده نشان از فهم این زنان از کم‌وکیف عاملیت زنان است.

2-2. پیشینه نظری

در سال‌های اخیر، همان‌گونه که در پیشینه پژوهش گفته شد، مطالعه تجربه‌های زیسته زنان در شرایط بحرانی، به یکی از محورهای مهم پژوهش‌های فرهنگی و ادبی بدل شده است. زنان در جنگ دوازده‌روزه، با کنش‌های روزمره، روایت‌گری و معناسازی، در زنده نگاه‌داشتن گفتمان مقاومت نقش جدی داشتند. بررسی یادداشت‌ها و روایت‌های کوتاهی که زنان ایرانی در دوران جنگ تحمیلی دوم نوشته‌اند، مجال فراهم می‌کند تا ابعاد گوناگون سوژگی، عاملیت زنانه، مصرف فرهنگی در متن‌های خرد و زیسته بازخوانی شود. این ادبیات مفهومی، چارچوب نظری منسجمی برای تحلیل این روایت‌ها پیشنهاد می‌کند تا نشان دهد چگونه زنان در لحظه‌های بحرانی از طریق روایت‌گری و معنابخشی به تجربه‌های خود، هم به آرمان‌های انقلاب اسلامی وفاداری نشان می‌دهند و هم عاملیت و سوژگی خود را در میدان کنش فرهنگی بازنمایی می‌کنند.

مصرف فرهنگی

هر فرهنگ مجموعه‌ای نظام‌مند و متبلور شده از تاریخ و تاریخ متشکل از طرح‌های پنهان و آشکار زندگی است. براین اساس فرهنگ پویا است و امری مشترک برای همه انسان‌ها یا گروهی از آنان تلقی می‌شود (Kluckhohn & Kelly, 1945: 98).

فرهنگ در مفهوم گسترده‌ای که دارد، شکلی از فعالیت‌های مشارکتی است که اعضای یک جامعه در آن، جامعه و هویت خود را شکل می‌دهند. فرهنگ امری منعطف است و انعطاف و پویایی آن با ظهور و تکامل رسانه و فناوری، بیش از پیش شده است. باین‌حال فرهنگ ممزوج با رسانه همواره شقوقی به مخاطبان ارائه رخ نمی‌دهد و گاهی این مخاطب است که به رسانه‌های حاکم محتوا ارائه می‌کند (Kellener, 2020: 9).

تولیدات فرهنگی بنا بر موقعیت‌های اجتماعی، تاریخی و چارچوب‌های مسلط بر نهادها، به‌وسیله افرادی تولید و منتشر می‌شوند؛ افرادی که خود دارای عاملیت‌هایی هستند و به‌دلیل عاملیتشان راهبردها و خط‌مشی‌های متعددی در حوزه تولیدات فرهنگی وضع و از آن‌ها پیروی می‌کنند. براین‌اساس درک تولیدات فرهنگی و عاملیت افراد، درون موقعیت‌های اجتماعی و تاریخی صورت می‌پذیرد. آثار فرهنگی چگونگی توجه و اهمیت‌ورزی به ارزش‌های جامعه را مشخص و نظام‌های طبقه‌بندی مختلفی را در برهه‌های زمانی مختلف پدیدار می‌کنند که محل کشاکش روابط پنهان قدرت است (Rezaei, 2004: 51-52).

مصرف فرهنگی وسیله‌ای است که با آن می‌توان کنترل اجتماعی را در سیالیت ذاتی مدرنیته رقم زد. این امر با القای نیاز انسان‌ها به کالاهای لوکس، نمادین و زودگذر رخ می‌دهد. در حقیقت روابط میان انسان‌ها به روابطی بازاری تبدیل می‌شود که در یک سو مشغول اغواگری افراد برای مصرف پدیده‌ای و در سوی دیگر، درصدد تولید آن است. نتیجه این امر، ناپایداری هویت‌ها و موقت‌شدن روابط است (Bauman & May, 2025: 150).

سوژگی و عاملیت

کنش، رفتارهای صادره از انسان‌ها است که به‌صورت آشکار یا پنهان، دخالتی مثبت در وضعیت انسان یا جامعه را انجام می‌دهد. کنشی اجتماعی است که جهت‌دهنده به رفتار دیگران یا صفت ذهنی دیگران باشد (Weber, 1947:88). یکی از عرصه‌های اجتماعی که کنشگری زنان در آن برای جامعه و فرهنگ آن بسیار اهمیت دارد، بحران‌های امنیتی و سیاسی است که جامعه را به مخاطره می‌اندازد. زنان نقش قابل‌توجهی در التیام آلام روانی، اجتماعی، تبلیغات و جنگ روانی دارند؛ در حالی که مردان نقش

بسیار کم‌اثرتری در این امور ایفا می‌کنند. هیچ کشوری بدون ورود زنان به عرصه مدیریت بحران‌های امنیتی و سیاسی نمی‌تواند موفق از گردنه سخت بحران عبور کند (Zarvandi, 2004: 91).

سطح بالاتری از کنشگری که در حقیقت سامان‌دهنده و تنظیم‌گر کنش‌های صادره است، «سوژگی» است. سوژه، همان فرد آگاه یا هستی خودمختار است که جوهر آن مستقل و سرچشمه واقعی کنش و معنا است (Hall, 2017: 106). در تعاریف متأخر، «خود» امری پویا در زمان انگاشته و این پویایی متعلق به ویژگی‌های «خود» دانسته شد (Lawler, 2015: 36). در واقع خود مفهوم منفعلی نیست، بلکه دارای تاریخ است و صرفاً تحت تأثیرات بیرونی شکل نمی‌گیرد، بلکه افراد ضمن ساختن و پرداختن هویت شخصی، صرف‌نظر از کیفیت محلی یا موضعی اعمال و افعال آن‌ها، به‌طور مستقیم در ایجاد و اعتلای بعضی از تأثیرات اجتماعی جهانی نیز مشارکت دارند (Giddens, 2013:16). هویت در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند و هیچ‌کس دارای هویت ثابت نیست. شخص «خود» را به‌عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد و در زمان و مکان تداوم می‌دهد. این تداوم هویت شخصی فرد را می‌سازد.

منظور گیدنز از بازاندیشانه‌بودن هویت این است که در جامعه مدرن، انسان‌ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و این را که چه کسی هستند و چگونه این‌گونه شده‌اند، مدام مرور می‌کنند و به هویت خود کاملاً آگاهی دارند (Giddens, 2005: 24-25). البته محتوای هویت شخصی و به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگی‌نامه شخص از آن ساخته می‌شود، مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است (Giddens, 2013: 85). در نتیجه سوژگی به معنای خود شخص، آن‌گونه که از خودش تعریف می‌کند در نظر گرفته می‌شود. هویت همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. هویت را نباید آن خصوصیتی در نظر گرفت که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده است، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره، با فعالیت‌های بازتابی خود پشتیبانی کند (Iman, 2012: 85-86).

تکثر مراجع هویت‌ساز و تنوع انتخاب‌های افراد، شیوه زندگی فرد را رقم می‌زند. انتخاب‌های فرد نه تنها نیازهای جاری او را رفع می‌کند، بلکه روایت خاصی را هم که فرد برای هویت شخصی خود برگزیده در برابر دیگران متجسم می‌سازد (Giddens, 2013: 120). سوژگی زنان ایرانی با انقلاب اسلامی و به‌ثمرنشستن آن دچار تحول شگرفی شد. همچنین سوژگی زن گفتمان انقلاب اسلامی با از جاکندگی‌ای که زنان در برزخ میان سنت و مدرنیته داشتند، راه سومی را برای زنان باز کرد. این سوژگی به‌وسیله فضای حاکم بر جامعه عصر انقلاب و پس از آن به‌طور پیوسته بازتعریف می‌شد که به بروز شاخصه‌های جدید از سوژگی زنان انقلابی انجامید. پیامد آن نیز بروز صورت‌های مختلفی از کنشگری زنان انقلابی در عرصه اجتماعی بود؛ کنش‌هایی که در آن عاطفه نه تنها مضموم نبود، بلکه محرکی برای کنشگری فعالانه زنان به‌شمار می‌رفت (Karimi et al., 2018: 101).

این رویکرد انقلاب اسلامی با مفهوم الگوی سوم زن شناخته شده است. از میان سه الگوی مطرح در نسبت با زن، هویت، شخصیت و حقوق او، الگوهای «خانه‌نشینی»، «خانواده‌گریزی» و «خانواده‌گرایی همراه با حضور اجتماعی مسئولانه» بازشناسایی شده است. الگوی مطلوب زن در اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران، الگوی سوم است (Hedayatnia, 2017: 15). چنین تفکیکی در ادبیات شهید مطهری به‌گونه دیگری خود را نشان داده است. او درباره نقش زن در تاریخ، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای دارد که عبارت است از: زن به‌مثابه شیء گران‌بهای بدون نقش که مانند شیئی قیمتی در اختیار همسر و فرزندان است و در جامعه نقش مستقیمی ندارد؛ زن به‌مثابه شخص بی‌بهای دارای نقش که در جامعه نقش مستقیم دارد، ولی به‌دلیل عدم رعایت حریم و ارتباط ارزان با مردان، قدر و قیمتی ندارد؛ و در نهایت زن به‌مثابه شخص گران‌بهای دارای نقش که هم در اداره خانواده مؤثر است و هم در جامعه حضور سازنده دارد (Motahari, 2005: 398-401).

زن سوژه انقلابی کنش‌هایی را در جامعه در آستانه انقلاب اسلامی ارائه داد که در آن تن‌زدایی و برائت از بدن‌مندی، در بالاترین سطح بود. حاکمیت شاهنشاهی سوژگی زنان را مترادف با کالانگاری عنوان می‌کرد؛ زیرا فعالیت اجتماعی زنان در گرو تن‌دادن زنان به جنسی‌شدن بود. این در حالی بود که سوژگی زنان انقلابی در جامعه، فارغ از کالانگاری زنان بود و به دل‌های مرکزی‌ای مانند خودآگاهی، استقلال، انتخاب‌گری، شجاعت و بازاندیشی دینی اتکا داشت (Nikkhah Ghamsari & Hilali, 2013: 168).

در عصر مدرن و به‌ویژه در دهه اخیر، سوژگی زنان به صورت‌های مختلفی پدیدار شده است. این امر خود تحولات اجتماعی را در سطوح خرد و کلان رقم زده است. سوژگی زنان در عصر امروز، برآمده از ساختارهای ذهنی و فهم جدیدی است که زنان از زندگی اجتماعی خود دارند. برجسته‌ترین ویژگی سوژگی در عصر مدرن «انتخاب‌گری» است. سوژه مدرن به‌طور مداوم در حال بازاندیشی و بازیابی هویت خود است و این امر در اصلاح و بازبینی کنش‌هایش بازتاب دارد. جنسیت و سوژگی با یکدیگر رابطه مستقیم دارند و جنسیت به هویت و انتخاب‌گری سوژه جهت می‌دهد (Ghasempour & Goodarzi, 2021: 186).

3. روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، به روش تحلیل مضمون، به دنبال فهم لایه‌هایی عمیق از سوژه زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه هستیم. در فرایند تحلیل مضمون، تحلیلگر به دنبال فهم مجموعه‌ای از الگوهای معانی برآمده از موضوعات و داده‌های مورد پژوهش است. نقطه پایان این فرایند، تهیه گزارش دقیقی از شبکه ساختاری داده‌ها، مضامین و کلان‌الگوهای نهایی است. تحلیل مضمون به سه روش قابل‌انجام است که عبارت‌اند از: روش کینگ و هاروکس، روش براون و کلارک و روش آنراید-استرلینگ (Abedi, 2011: 177).

در پژوهش حاضر تحلیل مضمون به روش براون و کلارک انجام گرفت. ابتدا یادداشت‌هایی از جنگ دوازده‌روزه جمع‌آوری شد که دارای چند ویژگی باشند: زنان ایرانی نوشته باشند؛ در پیام‌رسان‌های داخلی ای‌تا و بله منتشر شده باشند؛ خیال‌پردازی نباشند و روایت‌گر واقعیتی برآمده از جنگ دوازده‌روزه باشند؛ تحت نظارت گروه‌های نویسندگی خبره تنظیم شده باشند؛ کوتاه باشند و رمان یا داستان طولانی نباشند. براین اساس، به‌صورت هدفمند و با استفاده از سه مجموعه، به نوشته‌هایی زنانه دست یافتیم که یادداشت‌هایی کوتاه از جنگ دوازده‌روزه را در کانال خود منتشر می‌کردند. ریحانه (متعلق به دفتر نشر آثار رهبر انقلاب)، دورهمگرام (شبکه زنان روایت‌گر) و بانوی فرهنگ، سه مجموعه یادشده هستند.

روایت‌های این سه مجموعه که منطبق با ویژگی‌های مدنظر در پژوهش بود، جمع‌آوری شد. تعداد یادداشت‌های جمع‌آوری شده 79 مورد بود. یادداشت‌ها از 23 خرداد تا 31 تیرماه منتشر شده بود. هریک از یادداشت‌ها به‌طور جداگانه مطالعه و داده‌های اولیه پس از دو بار مطالعه استخراج شد. داده‌ها براساس کدگذاری باز استخراج شدند. براساس قرابت‌ها و سازه‌های مفهومی، هریک از آن‌ها در یک مجموعه کلی تحت عنوان مضامین اولیه قرار می‌گیرد. شبکه مفهومی هریک از مضامین اولیه نیز براساس قرابت با یکدیگر و تفاوت با دیگر مضامین، مضامین ثانویه را شکل می‌دهد. مضامین ثانویه، خروجی نهایی و برجسته پژوهش حاضر است. در پژوهش حاضر، 200 داده اولیه استخراج شدند که از مجموعه تفکیک‌شده آن‌ها، 14 مضمون اولیه و 5 مضمون ثانویه به‌دست آمد.

4. یافته‌های پژوهش

جدول 1. مضامین استخراج شده از داده‌های میدانی

مضامین ثانویه	مضامین اولیه	داده‌های اولیه
	مدیریت بحران در خانواده	<p>زن در خانه نترسد، هیچ‌کس نمی‌ترسد، خودم را جمع‌وجور کردم، ای ایران من، صبوری در خانه است، خواباندن پسر من روی شانه‌ام، بدرقه کردن همسر مثل همیشه، بدرقه زیر صدای پیهاده‌ها، بی‌اعتنا به صدای پیهاد و پدافند در خانه، به کارهای منزل می‌رسیدم، درست کردن عصرانه برای خانواده مثل همیشه، خودم را زیر صدای پیهاد سرگرم می‌کردم، تن‌پوش مادری لباس جهادم، پدافند غیرعامل مادر برای کودکش، افزایش روحیه ورزش و آموزش در خانه، گنجاندن بازی جمعی و چای و دمنوش در خانواده، صدازدن فرزندانم با القاب خوب، دخترکم را که ترسیده بود بغل کردم، مادر مددکارم همیشه محکم و استوار است، صبر در مقابل شلوغی بچه‌ها در خانه، باید صبور باشیم.</p>
سوزگی عاطفه‌محور	مشارکت اجتماعی معطوف به مسئولیت‌پذیری	<p>آوردن شربت خنک برای پستیچی مقاوم و ترس، خیلی‌ها نوبت دندانپزشکی‌شان را کنسل کردند، اما من دندانپزشک هستم، در خانه را باز کردم که مسافران در خانه من استراحت کنند، این روزهای جنگ در شمال بیشتر برنج می‌خوریم تا نان برای مسافران کم نیاید، مددکار اجتماعی بود و چمدان بست تا در روزهای جنگ پناه یتیمان شود،</p>

		<p>آرام کردن مغازه‌دار عصبانی و ناراحت از جنگ، خود را شریک غم مردم غزه می‌دانم، زیاد به خیابان نمی‌روم تا ایجاد شلوغی نکنم، به نیروهای مردمی و گشت خدقوت می‌گویم، هرچه دولت می‌گوید گوش می‌کنم، هفته اول جنگ به تبیین در فضای مجازی گذشت، هفته دوم به شرکت در کلاس امدادسانی، زن آتش‌نشان افتخاری داوطلب امدادسانی شد، در درمانگاه می‌مانم. باید چراغ درمانگاه روشن بماند.</p>
	<p>فرهنگ مشترک مقاومت</p>	<p>حرف‌های حاج خانم عسکری مرهم قلب است، صبر مادران شهدا، دل‌نگران جوانانی هستم که تا صبح برای تأمین امنیت، چشم روی هم نمی‌گذارند، دل‌م برای مادران و همسران شهدا لرزید، تا وقتی صدای بازی بچه‌ها می‌آید ناامیدی گناه کبیره است، رفاه‌طلبی آفت جهاد است، رنج برای قدرت روح است، ممکن بود از غم بشکنم اما بزرگ شدم، باید بعد از سال‌ها سینه‌زنی وارد خیمه زنان عاشورایی می‌شدم، من هم باید مصیبت را می‌چشیدم، همسران جوان شهدا صدایشان نمی‌لرزید، همسران شهدا احساس ضعف نداشتند، با وجود ترس روحیه‌ام را حفظ کردم، امیدم را زنده نگه داشتم، مادر شهید مدافع حرم برای کمک به خانواده‌های شهدا به معراج رفت، تسلی همسر شهید به خانواده‌های شهدای جنگ اخیر، محمد کاظمی مثل پدر شهیدش شجاع بود، تاریخ مقاومت را باید بخوانم و زندگی کنم،</p>

		<p>تأسیسات چی برج سرو اساتید برای رایان و باران و خانواده شهید طهرانچی گریه می‌کرد، هیئت دانش‌آموزی دخترانه کرج عکس شهدای دوازده‌روزه را برای محرم آماده کرد،</p> <p>ریحانه‌سادات هم‌مدرسه‌ای دخترم بود که شهید شد، جنگ که شد دکه فلافلی را به ایستگاه صلواتی تغییر داد،</p> <p>عهد می‌بندم تقاص همه فریادها و اشک‌های زنان و مادران سرزمینم را از آمریکا بگیرم،</p> <p>ماشین عروس را به گل و عکس شهدای نظامی و هسته‌ای آذین کرد.</p>
چنگ به حبل‌الله		<p>حصن حصین خدا،</p> <p>مدد الهی، معجزه خدا، محبت به ولایت،</p> <p>برائت از مرگ و کشتار،</p> <p>برائت از ترامپ و اسرائیل، توکل بر خدا،</p> <p>خود و بچه‌ها را به اهل بیت سپردیم،</p> <p>دعا خواندیم،</p> <p>نماز شب خواندیم،</p> <p>اهل بیت (ع) را صدا می‌کردیم، نماز جمعه باشکوه تهران و شهرستان‌ها در هشتمین روز جنگ،</p> <p>دعا برای مدافعان وطن، روزهای جنگ زیاد به سراغ خدا می‌روم،</p> <p>سوره فتح را زیاد می‌خوانم تا به پیروزی کامل برسیم،</p> <p>دلخوش بودن به امام زمان (عج)،</p> <p>توسل به امام زمان (عج)،</p> <p>پناه می‌بریم از اشراری که هر لحظه ظلمشان بیشتر می‌شود،</p> <p>تغییر مفهوم دعا از امر روزمره و بی‌روح به سلاح فعال،</p> <p>عذرخواهی از زمان بابت بی‌خوابی‌هایی که باید می‌کشیدم و نکشیدم،</p> <p>آتش‌بس که شد، پرچم «یا حسین» را در کنار پرچم «یا علی» و ایران بالای دک‌اش گذاشت،</p>

		<p>طلب صبر برای همسر شهید، تنها سلاح دختر سه‌ساله‌ام دعا بود که یادش دادم، ایران حرم است.</p>
	<p>روایت تاریخ حماسی-اجتماعی</p>	<p>فتح قلعه خیبر، بچه آبادانم و جنگ تن‌به‌تن را دیدم، ترور سردار دل‌ها به دست ترامپ، میز مذاکره و مکر آمریکا را دیدم، هشت سال جنگ را دیدم، التماس سیاستمدارانمان برای سیم‌خاردار را دیدم، حافظه تاریخی ما پر از جنایات آمریکا علیه ملتمان است، امام خمینی گفت هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، دختری مبارز پشت دیوار سفارت آمریکا، پرستار امدادسانی در چادرهای امدادی در منطقه جنگی دوران دفاع مقدس، حمله ویروس استاکس به تأسیسات هسته‌ای را دیدم، ما جنگ جهانی و دفاع مقدس را از سر گذرانیم.</p>
<p>تاریخ‌نگاری تحلیلی زنانه</p>		<p>سلمانی‌ها تعطیل نکردند، خانم دکتر دندانپزشک هم تعطیل نکرد، بستن تنگه هرمز، تأسیسات‌چی برج سرو اساتید هم نرفت شهرستان، مردان برای تخلیه ساختمان در منطقه موشک‌باران داد می‌زدند، مرگ جایش را در همین کودکی باز کرد، تابوت‌ها برای بدن‌های پاره‌پاره آماده شده بودند، کفن‌ها گاه تماماً پنبه بود با پاره‌ای از بدن، اسرائیل خانه‌های غیرنظامی را زد، اسرائیل</p>

	<p>تاریخ‌نگاری شفاهی</p>	<p>انسان‌های بی‌گناه را شهید کرد، تبدیل دشمن موجود تخیلی لوس به آدمکش، جنگنده‌ها جای قبل در شهرک دقایقی را که امدادگران بودند، دوباره زدند، جراحی تاریخی توده سرطانی، عزادار غزه بودیم و حالا جنگ لابه‌لای زندگی مان آمد، سردار حاجی‌زاده شهید شد، تبریز و شیراز و کرمانشاه را زدند، شهرک شهید چمران را زدند، نارمک و انبار نفت تهران را زدند، نزدیک تهران دو آتش مهیب دیده شد، بیدارشدن با صدای جنگنده، دزدی که پهبادخانه را لو داد، ریحانه سلامی روایت لباس خاکی پدرش را گفت، ریحانه سلامی از اسرائیل گفت، رهبری به حسینیه آمد و من دست‌به‌قلم شدم، حمله به پایگاه العدیده قطر.</p>
<p>نقش آفرینی آگاهانه</p>	<p>خطر کردن آگاهانه</p>	<p>انگار سنگ به سمت اسرائیل پرت می‌کردم، در جنگ با وجود خطر عروسی را کنسل نکرد، آدمی که پشت پدافند می‌نشیند از همه بی‌دفاع‌تر است، جنگ پهباد و موشک و پدافند، زینب سلیمانی شاهد بمباران بود اما نمی‌لرزید، در بمباران اشک نمی‌ریخت، شجاعت و ایمان و اقتدار بر سرانگشت سحر امامی، ایستادگی شیرزن ایرانی، امام گفت که این معجزه است که خانم‌ها مقابل مسلسل و توپ و تانک می‌ایستند، معجزه اسلام است که خانم‌ها از شهادت نمی‌ترسند، خط و نشانی که با انگشت برای دشمن کشید، زنی که در وسط معركة مبارزه ایستاد، مهاجرت کرده بودم اما در جنگ به ایران برگشتم، خانه همین جاست، کادر درمان سیل و زلزله و کرونا و جنگ نمی‌شناسد،</p>

	<p>من اصلاً نمی‌ترسم.</p> <p>بعد از جنگ سبک زندگی‌ام را تغییر دادم، در نماز جمعه جنگ با دستان خنارده خرما پخش کرد، جمعیت در نماز جمعه جنگ موج می‌زد، من مادر باید سرباز تربیت کنم، به دختر کوچکم یاد دادم بگویند مرگ بر اسرائیل، نباید از تهران برویم، دل‌تنگ حال‌وهوای جنگ دوازده‌روزه‌ام، دل‌نگران بچه‌های بسیجی گشت‌ها، به همسرم گفتم باید گشت بروی، تمام دغدغه‌ام این است که کم نگذارم برای جنگ، خود را در دوئل تن‌به‌تن با دشمن دیدم، دغدغه‌های نازل را دور ریختم، باید بخوانم و بنویسم و بدانم، رهبر گفتند ایستادگی و من در دستگام برای خدمت به مردم ایستادگی کردم، ایرانی‌ها چند نسل طرف حق ایستادند و هزینه‌اش را هم دادند.</p>	<p>بازیابی خودآگاهانه در جهاد</p>
<p>هزینه خانوادگی برای وطن</p>		<p>پهپادها آمبولانس را زدند، جنگ کودک شیرخوار را از آغوش مادر به خاک پرتاب کرد، در تهران بوی دود و خون پیچیده بود، صدای جنگنده‌ها آمد و چشمانم را بستم، خانه سردار رشید و سردار باقری با خاک یکسان شد، پیامک هشدار برای تخلیه منطقه 7، لرزش و انفجار ساختمان‌ها، بوی باروت و گردوخاک از کانال کولر آمد، موشک از جلوی پنجره رد شد، موشک به خانه مردم اصابت کرد، تاریک‌شدن همه‌جا به خاطر اصابت موشک،</p>

<p>مرثیه‌هایی از هزینه برای وطن</p>		<p>لرزش استودیوی خبر با موشک اسرائیل، تشخیص صدای پهباد از پدافند سخت شده بود، آمار شهدا زیاد است، قطع اینترنت و خبر شهادت فرماندهان بلندپایه و دانشمندان، خوشحالی BBC از حمله اسرائیل به ایران، شبکه خبر زنده آسمان اورشلیم را نشان داد، اصابت موشک‌های ایرانی، احترام نظامی والیبالیست‌ها به پرچم در بازی جام ملت‌ها.</p>
<p>روایت خانواده مقاومت</p>		<p>خانوادگی به تشییع شهدا رفتیم، دخترم به تابوت دوستش ریحانه‌سادات دست زد، تهیه و بسته‌بندی غذا برای گشت خیابانی، عروس و داماد پرچم آمریکا و اسرائیل را جلوی در خانه گذاشتند و با لگد بر آن وارد خانه شدند، رمی جمرات خانوادگی در روز عید غدیر، خانوادگی عاشق شهری شدیم که قبلاً از دودش می‌خواستیم فرار کنیم، با همسرم روی بچه‌ها، هنگام حمله موشکی خیز برداشتیم، در اوج جنگ خاله همسرم پاگشایمان کرد، باید بچه‌هایم را شجاع و صبور بار بیاورم، روحیه وطن‌دوستی بخش مهم تربیت بچه‌هایم می‌شود، با مامان کیک می‌پزیم و به شیشه‌ها چسب می‌زنیم، عکس بابا را که برای دفاع رفته به شیشه‌ها می‌زنیم، خانواده شهید راه قدس، مصاف خانوادگی با دشمن.</p>
		<p>بچه‌های این نسل وسط معركة حق علیه باطل‌اند، نسل زد نقششان را باور کرده‌اند، به سمت قله</p>

	<p>دغدغه‌مندی نسل Z برای وطن</p>	<p>می‌تازند، من اگر خلبان بشوم دوروزه اسرائیل را نابود می‌کنم، من دودلم فیزیک هسته‌ای بخوانم یا فیزیک اتمی.</p>
<p>مسئولیت‌پذیری اجتماعی-ملی</p>	<p>حفظ اتحاد</p>	<p>برای تأمین امنیت ازت ممنونیم، با جاسوس کلمه مشترک نداریم، مازندران فقط استان ما نبود برای یک ایران بود، مردم در جنگ جور دیگری هموطن می‌شوند، ای ایران بخوان، تفاوت نسل‌ها در برابر دشمن رخت بریست، آماده می‌شویم به بهشت‌زهرها برای بدرقه شهدا برویم، زیر تابوت شهدا را با تمام خستگی‌هایمان می‌گیریم، برای تشییع شهدا همه بودند با پوشش و عقیده‌های متفاوت، دستاورد بزرگ اتحاد ملی، اشکم را پاک کردم و خانمی لیوانی آب بهم داد و کمکم کرد، این صدای ملت ایران است الله‌اکبر، ما تکه‌های آینه هستیم در تالار آینه‌خانه ایران.</p>
	<p>اسرائیل دشمن مشترک</p>	<p>انتقام می‌گیریم، به دخترکم گفتم پدافند پهپاد اسرائیل را می‌زند، دغدغه داماد محو اسرائیل شد، پسر عکس صفحه گوشی‌اش را عوض کرد و گور اسرائیل را کند، ما تا نابودی اسرائیل صلح نداریم، کالای اسرائیلی مصرف نمی‌کنیم.</p>

	همراهی مردم با حاکمیت	<p>زیاد به خیابان نمی‌روم تا ایجاد شلوغی نکنم، هرچه دولت می‌گوید گوش می‌کنم، رهبری فرمان داد کار تبلیغی را جدی پیگیری کنیم، جمعیت یکدست و یک‌شعار شده بود «مطیع امر رهبریم»، برق چشمان حاج محمود و «برای شما می‌میریم» او به آقا.</p>
--	-----------------------	---

در پژوهش حاضر با بررسی 79 یادداشت 200 داده خام اولیه به دست آمد. ماحصل بررسی و تحلیل این داده‌ها 14 مضمون اولیه و 5 مضمون ثانویه بود. مضامین ثانویه به ترتیب عبارت‌اند از: «سوژگی عاطفه‌محور»، «تاریخ‌نگاری تحلیلی زنانه»، «نقش‌آفرینی آگاهانه»، «هزینه خانوادگی برای وطن» و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی-ملی» است. هریک از این مضامین ثانویه خود دربردارنده مضامین اولیه‌ای هستند که ابعاد آن‌ها را روشن‌تر بازنمایی و درنهایت تبیین می‌کند.

4-1. سوژگی عاطفه‌محور

علی‌رغم آنکه در اندیشه‌های رایج علوم اجتماعی، عاطفه ضعف سوژگی و کنش فعالانه زنان عنوان شده، اما تحلیل داده‌های مستخرج از زنانه‌نویسی‌های جنگ دوازده‌روزه بیانگر کنش فعالانه زنان ایرانی بود. به عبارت دیگر، عواطف زنان از جمله ترس، رنج، اضطراب و خشم ذیل تمسک به نیروی مافوق اراده بشر (قدرت لایزال الهی) مدیریت می‌شد. این امر ضمن آنکه سبب فائق‌آمدن زنان بر رنج‌هایشان شد، توانست به زنان در خانواده و جامعه در جنگ دوازده‌روزه، قدرت شگفت‌آوری برای کنشگری مؤثر و فعالانه بدهد. چهار مضمون اولیه استخراج‌شده ذیل این مفهوم عبارت‌اند از: «مدیریت بحران در خانواده»، «مشارکت اجتماعی معطوف به مسئولیت‌پذیری»، «فرهنگ مشترک مقاومت» و «چنگ‌زدن به ریسمان الهی».

4-1-1. مدیریت بحران در خانواده

در زمان جنگ دوازده‌روزه، خانواده‌هایی که در شهرهای مورد حمله زندگی می‌کردند متحمل آسیب‌های روحی و اضطراب‌های فراوان شدند. با این‌همه، مدیریت این هیجانات با زنان و به‌خصوص مادران و همسران بود. زنان نقش ویژه‌ای در کنترل بحران ناشی از جنگ تحمیلی در خانواده ایفا کردند. این امر در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی نقش مهمی داشت. به عبارتی بیانگر نوعی کار مراقبتی بود که در ساختار رسمی قدرت دیده نمی‌شود، اما بقای زندگی روزمره را تنظیم می‌کند. زنان عملاً به کنشگران اصلی بازتولید حیات اجتماعی تبدیل می‌شوند. بحران جنگ در تمام جهان پدیده‌ای است که نظام زندگی خانوادگی و اجتماعی را مبتلا به یک بی‌نظمی غیرمعمول می‌سازد. این امر با برهم‌خوردن نظم زندگی روزمره به‌وقوع می‌پیوندد. زنان ایرانی در قالب نقش‌های خانوادگی در تکاپوی آن بودند که با تنظیم شرایط، نظم روزمره را در خانه حاکم کنند تا بحران جنگ را برای اعضای خانواده و جامعه مدیریت کنند:

«دخترک همین‌طور که دنبالم می‌آمد، گوشه پیراهنم را محکم گرفته بود و می‌لرزید. مامان رعدوبرقه؟ من می‌ترسم. یاد حرف مادر افتادم (زن ترسه، هیچ‌کس تو خونه نمی‌ترسه). خودم را جمع می‌کنم و می‌گویم: نه عزیزم صدای پدافند بود. داره موشک‌های اسرائیل رو می‌زنه.»

از دیگر حمایت‌گری‌های زنانه از کیان خانواده در جنگ دوازده‌روزه حفظ روند عادی زندگی بود. آنان مانند زنان غزه با بهانه‌های کوچکی مانند پخت کیک و عصرانه جریان زندگی را ادامه می‌دادند. در حقیقت زنان سعی کردند در خانه فضایی ایجاد کنند که برای ساعتی که اعضای خانواده در آن به سر می‌برند، روزمره‌های بدون جنگ و درعین‌حال صمیمیت خانوادگی به‌وجود بیاید. این امر برای دورشدن از تنش‌های فضای جنگ برای خود زنان راهکاری مهم بود:

«سعی می‌کنم با پخت کیک یا بیسکویت‌های ساده و یخچالی، عصرانه دوره‌می درست کنم.»

4-1-2. مشارکت اجتماعی معطوف به مسئولیت‌پذیری

حمایت‌گری از جامعه نیز از جانب زنان در ایام جنگ دوازده‌روزه از شاهکارهای کنش فعالانه زنان بود. آنان بنا بر نقش‌های مختلفی که در جامعه داشتند و به فراخور امکانات مادی‌شان، هریک نقش‌های مهم و مؤثری را در جامعه ایفا کردند؛ برای نمونه خانم دندانپزشکی که در طول جنگ هم مطب را تعطیل نکرد:

«مطب برخلاف روزهای قبل شلوغ نبود. کار دندان دخترک انجام شد. وقت رفتن طاقت نیاوردم و گفتم: خانم دکتر، خیلی ممنون که امروز اومدید مطب. لبخند زد و گفت: خیلی از مامان‌ها نوشتشون رو کنسل کردن، ولی من با خودم گفتم حتی اگر یکی دو مورد اورژانسی داشته باشیم، من باید اینجا باشم که تو این شرایط کارشون انجام بشه.»

زنان خانه‌دار نیز از حمایت از جامعه عقب نیفتادند. آنان نقش مهمی در آرامش مردم ایفا کردند. این امر با خرید روزمره با وجود شنیدن صدای غرش جنگنده و پهپاد و صحبت با فروشنده و عابران دیده شد؛ رفتاری توأمان با خونسردی و تلاش برای ایجاد گفت‌وگوهای کوتاهی که برآمده از منطق و همدلی فعالانه با مردم بود:

«پسر جوان صاحب مغازه وقتی جوپای پودر قند می‌شوم، ابروهایش را در هم کشیده و خاطرش مکدر می‌شود: خانم جنگه‌ها... جنگ. اقلام عادی به‌سختی پیدا می‌شه. شما توقع پودر قند برای شیرینی داری؟ با طمأنینه نگاهش می‌کنم. مشخص است که تحت فشار روانی است: این روزها هم می‌گذره... اگه ما بخوایم زندگی عادی رو کنار بذاریم در عین جوونی پیر می‌شیم. اگه الان شرایط عادی بود می‌دونستی تا فردا زنده‌ای یا مرده؟ پسر در فکر فرومی‌رود و به نشانه منفی شانه بالا می‌اندازد: خدا پدرت رو بیامرزه... الانم همینه. پیمونه مهمه! پر بشه باید بری. گاهی ممکنه یه قند بیره گلوت بمیری. گاهی ممکنه یه موشک باعث مرگت بشه. پس تا وقتی زنده‌ای زندگی کن و لذت ببر.»

4-1-3. فرهنگ مشترک مقاومت

اگرچه اقسام رنج‌های متحمل‌شده بر ایرانیان در طول جنگ دوازده‌روزه با یکدیگر تفاوت داشت، اما آنچه نقطه مشترکی را میان ایرانیان ایجاد کرده بود، الزام به صبر بر رنج بود. این صبر نه در راستای انفعال و بی‌عملی، بلکه در راستای دستیابی به قدرت برای تقابل با ظلم و ظالمان است. از این رو می‌توان گفت فرهنگ مقاومت در برابر ظلم متجاوز به میهن به یک فرهنگ مشترک در میان زنان ایرانی به‌طور پررنگ قابل توجه بود. این امر نیز با قبول مفهوم رنج و شدايد آن بر زندگی خانواده و هموطنان آغاز شد:

«رنج را باید برای قدرت روح به شکلی وارد زندگی‌مان کنیم.»

به باور زنان، آنان که متحمل سختی و رنج عظیم، مانند شهادت عزیزان خود می‌شوند، از جانب خداوند برای صبوری این رنج و قیام پراقتدار برگزیده شده‌اند. به عبارت دیگر آنان رنج‌هایی را که در راستای شهادت عزیزان خود متحمل شده‌اند، بار مسئولیتی بر شانه خود برای تقابل با دشمن می‌دانند. آنان ادای مسئولیت خود را در گرو صبر بر رنج‌های خود می‌بینند:

«همسر شهید گفت: دعا کنید صبور باشیم. مامان بلافاصله گفت: حتماً هستید. شما برای این کار انتخاب شدید. هرکسی نمی‌تونه این رنج رو تحمل کنه و همسر شهید بشه.»

4-1-4. جنگ‌زدن به ریمان الهی

در میان رنج‌ها و تمام کنش‌های فعالانه زنان در طول جنگ تحمیلی دوازده‌روزه، ارتباط عمیق و قلبی آنان با قدرت لایزال الهی و اهل بیت عصمت و طهارت همیشه پابرجا بود. این امر ارتقای روحی و رفتار حساب‌شده‌ای را نیز در پی داشت و به صورت‌های مختلفی همواره در حال بروز و بازنمایی در خانواده و در نهایت جامعه بود. اعتقاد به آنکه توسل به اهل بیت، حصن امن برای خانواده در برابر موشک‌ها و بمباران دشمن ایجاد می‌کند، امری متداول برای آرامش‌یافتن و حفظ جان و خانواده زیر موشک‌های دشمن بود. به عبارت دیگر از آنجا که زنان به‌عنوان پناهگاهی برای اعضای خانواده در شرایط بحران و ترس دیده می‌شوند، نیاز دارند که خود را با تمسک‌جستن به قدرتی فراتر از همه قدرت‌ها، مهیای پناهی برای خانواده کنند. این امر بنا بر روایت‌های زنان، از طریق توسل و یاری‌جستن از تمام نمادهایی است که از حضور خداوند و مراقبت او حکایت دارد. به عبارت بهتر، تمسک‌جستن زنان به قدرت لایزال الهی سبب می‌شود آنان ضمن کنترل خود و دستیابی به آرامش، مدیریت بحران در خانواده را رقم بزنند. در حقیقت زنان ایرانی با تمسک به دعا، اهل بیت، قرآن و یاد شهدا، جنگ و صدمات متحمل‌شده از جنگ را منطبق بر آموزه‌های دینی معناسازی می‌کنند. در این معناسازی جدید، جنگ جدالی خونین نیست، بلکه جهاد در راه خدا برای دفاع از جان و مال است. مرگ ناشی از جراحات جنگی به معنای نیستی و فناپذیری نیست، بلکه به معنای شهادت است که خود حیاتی طیب و نامیرا است. آسیب‌های جنگ ایثاری برای دین خدا و حفظ استقلال سرزمین است. دوست داشتن وطن و دفاع از آن نشانه‌ای از ایمان است. تمسک زنان به امر مقدس سبب معناسازی مجدد حوادث و در نهایت، بازیابی نظم زندگی به‌وسیله زنان می‌شود:

«ما ماندیم و دو دختر 2 و 5 ساله و دلی که سپردیم به خدا و اهل بیت (ع). شروع کردیم در دلمان دعاخواندن و نماز شب. من اهل نماز شب نیستم، اما من هم نماز شب خواندم.»

و دعا برای پیروزی نه یک رفتار روزمره بی‌روح، که سلاحی مهم و مؤثر در پیروزی تلقی می‌شد. دعاکردن نه امری منحصر به شخص، بلکه امری برای محافظت جامعه و مدافعان وطن در برابر تعرض دشمن خارجی است. دعا برای پیروزی، خود معناسازی برای امید به آینده و پویایی این امید است:

«این روزها بیشتر سراغ خدا می‌روم. سوره فتح را می‌خوانم تا به پیروزی کامل برسیم.»

4-2. تاریخ‌نگاری تحلیلی زنانه

یکی از کنش‌های زنان در جنگ دوازده‌روزه، روایت‌گری آنان از تاریخ بود. آنان به‌مثابه نقالانی هستند که ضمن روایت حماسه پیش‌رو، به حماسه‌های رخ‌داده در گذشته نیز نیم‌نگاهی روایی دارند. آن‌ها درصددند تا تمرکزها را به اصالت هدف جلب کنند و با بیان پیشینه تاریخی عبور از موانع صعب، به ادامه مسیر تشویق کنند. در ذیل این مضمون، دو مضمون اولیه «وقایع قبل از جنگ دوازده‌روزه» و «وقایع بعد از جنگ دوازده‌روزه» وجود دارد.

4-2-1. روایت تاریخ حماسی-اجتماعی

در این قسمت، زنانه‌نویسی‌های جنگ با عنایت به تاریخ مبارزه با استکبار از سبقت تاریخی فائق آمدن جبهه حق بر باطل سخن به میان می‌آید. به بیانی دیگر، در زنانه‌نویسی‌های مورد بررسی و واکاوی از جنگ دوازده‌روزه، برخی از یادداشت‌ها هم‌زمان میان دفاع مقدس هشت‌ساله و دفاع مقدس دوازده‌روزه ارتباط برقرار می‌کردند. به بیان دیگر، بحث اصلی در اینجا این است که برای زنان دفاع از وطن یک امر مستمر است. دفاع مقدس هشت‌ساله و جنگ دوازده‌روزه، هر دو فصل‌های یک کتاب هستند و آن کتاب دفاع از وطن است:

«به یاد دفاع مقدس که مردم می‌آمدند برای اعزاز به جبهه ثبت‌نام، باز هم مردم برای کمک‌رسانی داوطلب شده بودند.»

در میان یادآوری‌های پیروزی‌های حق بر باطل، زنان با نگاهی مدیرانه و دوراندیش از خدعه استکبار و در رأس آن آمریکا نیز می‌گویند. این یادآوری از حافظه تاریخی فعال زنان و توجه آنان به عبرت‌های تاریخ برای طی مسیر حال و برنامه‌ریزی برای ساختن آینده است:

«از چهل بار گزیده‌شدن از سوراخ میز مذاکره وحشت کردی؟»

4-2-2. تاریخ‌نگاری شفاهی

در این میان زنان تماماً و فعالانه، هریک از وقایع مهم جنگ را می‌نویسند؛ وقایعی که تاریخ شفاهی و تاریخ معاصر از برهه‌ای مهم از تاریخ ایران اسلامی است:

«سلام آقا، من یه اعتراف دارم. دزد شدم ولی اشتباه اومدم تو یه ساختمان پر از پهپاد و مواد عجیب و چیزهایی که تا حالا تو عمرم ندیده بودم. به خدا راست می‌گم. آدرس رو بگم؟»

4-3. نقش آفرینی آگاهانه

زنان در راستای شکل‌گیری، تقویت و حفظ اتحاد ملی شکل‌گرفته، نقش بسزایی ایفا کردند. آنان در این راستا دو سبک از نقش آفرینی را به منصفه ظهور رساندند: «شجاعت حماسی» و «مشق ایستادگی». این نقش آفرینی زنانه متناسب با موقعیتی ایفا می‌شود که آنان به فراخور جنگ در آن موقعیت قرار گرفتند. گاهی این موقعیت‌ها نیاز به تصمیم‌گیری لحظه‌ای دارند. این تصمیم‌ها در سرنوشت مقاومت و پایداری در برابر بیگانه مؤثر است.

4-3-1. خطر کردن آگاهانه

در شجاعت حماسی علی‌رغم آنکه زنان در معرض خطرهای جانی ناشی از موشک‌های دشمن صهیونیستی و آمریکایی بودند، دست از مقاومت برنداشتند. علی‌رغم تهاجم بی‌امان و غیرقانونی دشمن صهیونیستی در طول جنگ دوازده‌روزه، در یادداشت‌های مورد بررسی شاهد آن بودیم که زنان در مقاطعی بین ماندن و خطر کردن و رهاکردن موقعیت برای حفظ جان، مورد اول را انتخاب کردند. این انتخاب در جهت کاری مهم برای حیات جمعی انسان ایرانی و یادآوری هویت آزادی ایرانی‌ها بود:

«سحر امامی تصویری تمام‌عیار از ایران است. اعجازی از ایمان و اقتدار است.»

در این میان، برخی از زنان هم خود در دل خطر بودند و هم روایت‌گر مردانی که اهل ایثار بودند و جان نثار کردند. ایستادگی در دل خطر برای حفظ مصلحت جمعی، در اقتدار مختلف از جامعه زنان ایرانی وجود داشته است؛ از زن خانه‌دار تا زن کارمند در اداره محل خدمت:

«همسر سردار سلامی نشست روی میل پذیرایی خانه‌شان و گفت: این خانه که این طوری نبود. دو هفته است داریم خرده‌شیشه جارو می‌کنیم و دوده و خاک پاک می‌کنیم. یک پنجره سالم نمانده بود. موج انفجاری که خانه سردار رسید و سردار ربانی و سردار باقری را با خاک یکسان کرده بود، به همه خانه‌های اطراف هم آسیب زده بود.»

4-3-2. بازیابی خودآگاهانه در جهاد

زنان فعالانه درصدد کسب سهم بیشتری برای کمک‌رسانی به جامعه در جنگ دوازده‌روزه برآمدند. این سهم بیشتر را نیز از طریق خانواده‌شان برای خود فراهم کردند. آنان با تأکید بر لزوم حضور فعالانه همسر و فرزندان‌شان در میدان، نقش بیشتر و سهم کنشگری بیشتری را برای خود فراهم می‌کردند:

«به همسرم گفتم: مهم نیست برای گشت نیرو دارن یا نه. مهم اینه تو یکی از اون نیروها باشی.»

به‌موجب این امر، زنان می‌توانند نقش‌های کمکی‌ای مانند تدارک اغذیه و سایر اقلام مورد نیاز برای گشت را ترتیب بدهند:

«بساط خنده بچه‌ها و سفره و لقمه‌گیری و بسته‌بندی به راه افتاد. این دفعه روی برچسب‌ها نوشته بود: ازتون ممنونیم که به خاطر امنیت ماها تا این وقت شب بیدارید.»

4-4. هزینه خانوادگی برای وطن

یکی از نقش‌آفرینی‌های مهم زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه، روایت ایستادگی و مقاومت خانواده‌های ایرانی و در امتداد آن مقاومت اجتماعی در برابر دشمن صهیونیستی بود. در این میان اما آنان روایت نسل زد را نیز به فراموشی نسپردند و از پای‌کاربودن آنان برای وطن گفتند. ذیل این مضمون ثانویه، سه مضمون اولیه وجود دارد که عبارت‌اند از: «روایت میدان مقاومت»، «روایت خانواده مقاوم» و «پیشروبودن نسل زد».

4-4-1. مرثیه‌های هزینه برای وطن

در این میان زنان به‌طور ویژه اثرات ایستادگی ملی در برابر دشمن صهیونیستی و آمریکا را متذکر می‌شدند و در تلاش بودند تا بر سانسورهای رسانه‌ای فائق بیایند. زنان با روایت‌کردن تصاویر نابی که در جنگ دوازده‌روزه از اقتدار ملی و اتحاد مقدس در برابر تهاجم دشمن آمریکایی-صهیونیستی شکل گرفته بود؛ تلاش می‌کردند که در کنار هزینه‌هایی که در این جنگ شده، موفقیت‌ها را نیز به تصویر کشند. این امر خود به ایجاد حس پیروزی و امید برای غلبه بر دشمن تا بن دندان مسلح می‌انجامید. از دیگر کارکردهای این روایت‌ها، یادآوری هزینه‌ها و ازدست‌دادن انسان‌هایی است که برای به‌دست‌آوردن اقتدار برای رویارویی با دشمن کسب شد. این نوع از روایت‌گری زنان ایرانی در یادداشت‌های مورد بررسی، در جهت به‌تصویرکشاندن «نزدیک قله‌ایم» از رهبر شهید انقلاب بوده است. برای نمونه:

«یک قاب حدود ده دقیقه هیچ‌چیز نمی‌گفت و فقط آسمان اورشلیم را نشان می‌داد. چند دقیقه بعد قاب یک لحظه روشن شد، مجری انگار که سنگی به شیشه اصابت کرده باشد گفت: خب دوستان به نظرم موشک ایرانی بود که اصابت کرد.»

و همچنین حلقه اتحاد و احترام والیبالیست‌ها در جام ملت‌های آسیا به پرچم کشور؛ پرچمی که در سال 1401 مورد بی‌احترامی قرار می‌گرفت. برای نمونه:

«بازی با برد ایران تمام شد. چه می‌کنند این سربازها برای دفاع از پرچم ایران. والیبالیست‌ها سلام نظامی دادند.»

4-4-2. روایت خانواده مقاوم

زنان تلاش می‌کردند تا تصویری که از خود و خانواده‌شان ارائه می‌دهند، مقاومت در برابر تجاوز دشمن باشد. در این راستا آنان ضمن تلاش برای روحیه دلآوری فرزندان کوچک، آنان را با مفاهیم شهادت نیز آشنا می‌کردند. برای نمونه:

«روحیه وطن‌دوستی و آرمان ملی داشتن را بخش مهمی از تربیت بدانیم.»

و همچنین:

«می‌روم جلوتر به دخترکم می‌گویم بگو، بگو مرگ بر اسرائیل. این‌طور رمی جمراتمان را خانوادگی انجام می‌دهیم. اقتدا می‌کنیم به حضرت ابراهیم، از هرچه مرگ و کشتار است برات می‌جوییم، از سران دولت‌های غربی، دقیقاً از ترامپ، از تتانیا هو، از شیطان بزرگ.»

4-4-3. پیشروبودن نسل زد

نسل زد علی‌رغم تمام شکاف‌های رفتاری و عقیدتی‌ای که داشت، در میدان معرکه در طرف درست تاریخ ایستاد. این نسل برنامه می‌چید تا آینده‌اش را در راستای حفاظت از ملتش در برابر دشمن بسازد. این از چشم زنانه‌نویسی جنگ دور نماند و روایت شد. نسل زد در جنگ دوازده‌روزه به بازخوانی دوگانه‌هایی پرداخت که حول محور آنان با خانواده و جامعه، به چالش‌هایی جدی خورده بود. این نسل که آرمان‌خواهی را در تعارض با واقع‌نگری می‌دانست، در جنگ دوازده‌روزه به این نتیجه رسید که آرمان و آرزوهای انقلابی برآمده از واقعیت‌های تلخ در روزگار بوده است. در این راستا، آرزوهایش را منطبق با آرمان‌خواهی برآمده از واقعیت‌های سپاهی مانند جنگ‌طلبی آمریکا و رژیم صهیونیستی چید:

«من اگر خلبان بشم، دوروزه اسرائیل رو نابود می‌کنم.»

و همچنین:

«از اینکه از حالا پسرم گور اسرائیل را کنده و آتشش هم زده، برایم حسی وصف‌نشدنی داشت. تفاوت نسل این‌ها با نسل ما در همین است. این‌ها خیلی سریع‌تر دارند راه را طی می‌کنند.»

4-5. مسئولیت‌پذیری اجتماعی-ملی

به تفاوت‌های ظاهری و عقیدتی زنان ایرانی فعال و کنشگر در دفاع از میهن در طول جنگ دوازده‌روزه نمی‌توان ننگریست. در زنانه‌نویسی‌ها این امر به‌وضوح دیده شده است. براین‌اساس آنچه سبب این یکپارچگی شد، دو مؤلفه «حفظ اتحاد» و «محو اسرائیل» بود.

4-5-1. حفظ اتحاد

در این مضمون آنچه شگفت‌انگیز بود، اشتراک محسوس داده‌ها با مفهوم ایثار و شهادت بود. به عبارت بهتر، حفظ اتحاد در میان آحاد ملت در جنگ دوازده‌روزه با فداکاری ملت و دولت برای همدیگر رخ داد؛ به‌گونه‌ای که گویی ایران یک تن است و آحاد ملت پاره‌های آن که کاملاً با یکدیگر در ارتباط هستند. نگاه به شهادت و شهید و رهبری در جنگ دوازده‌روزه نگاه به حفاظت‌کنندگان از وطن بود. این امر چنان مقدس شمرده شد که زنان در رده‌های سنی مختلف با عقاید و ظواهر مختلف، به آنان عشق می‌ورزیدند:

«سه دختر نوجوان در انتظار شروع راهپیمایی بودند. دو نفرشان رفتند سمت و انت تا دست‌خالی به میدان نیامده باشند. یکی از آن‌ها که موهایش را بافته بود و پرچم بزرگ ایران را بر دوش انداخته بود نشست کنار جدول. دوستانش همراه عکس امام خامنه‌ای برگشتند. دختر موافقه اعتراض کرد که چرا برای من نگرفته‌اید. دوستش گفت یکی فقط مانده بود. می‌خواست به‌زور عکس را تصاحب کند، اما دوستش تسلیم نشد و عکس را محکم چسبیده بود. دخترک وقتی دید دستش خالی مانده شروع کرد به شعار دادن: خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست.»

در یکی از زنانه‌نویسی‌های جنگ دوازده‌روزه چنین آمده بود:

«سیل جمعیت را از زیر نگاهم عبور دادم. آدم‌های آشنایی که همیشه با راهپیمایی غریبه بودند هم آمده بودند. همان‌هایی که همیشه با من بحث داشتند که چرا می‌روی و همه‌اش تقصیر شماست و... اما حالا اینجا بودند. من چندان از دستاوردهای نظامی سر در نمی‌آورم، اما جمعیت یک‌دست شده دستاورد بزرگی است. دستاوردی که باید حفظ شود. دوباره آجر نچینیم بینمان.»

4-5-2. محو اسرائیل

با بررسی داده‌های مستخرج از زنانه‌نویسی، اسرائیل که عنصری متجاوز به کشورهای مختلف و خصوصاً ایران بود مورد نفرت‌های عمیق و ریشه‌داری از جانب ملت ایران قرار داشت. این نفرت که در آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف ریشه دارد، در طول جنگ دوازده‌روزه و بعد از آن، جانی تازه در ملت ایران و به‌خصوص نسل جوان دمید:

«ما تا نابودی اسرائیل، هیچ صلح و آتش‌بسی نداریم. لحظه‌لحظه زندگی‌مان را می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم از پرچم ایران عزیز.»

در طول جنگ دوازده‌روزه امر جمعی مردمی برای تقابل با آمریکا و اسرائیل نیز گامی مهم برای نابودی اسرائیل محسوب شد. در این امر جمعی، کوچک‌ترین اقدام‌ها نیز به‌منزله رمی جمرات و عملی برای نابودی اسرائیل تلقی می‌شود:

«خرماهای توی مشمای رویه‌رویش را مشت کرد و به آدم‌های صف جلو و پشت سرمان تعارف کرد. مشما که خالی شد، زن هم آرام گرفت و نشست. جوری که انگار سهم امروز خودش برای نابودی اسرائیل را پرداخت کرده باشد.»

4-5-3. همراهی مردم با حاکمیت

در طول جنگ دوازده‌روزه زنان نقش پررنگی در نزدیک کردن جامعه به حاکمیت نظام داشتند. در حقیقت دفاع نظامی و توانمندی و خودکفایی در دفاع از کشور برای حفظ موجودیت سرزمینی و ملی سبب شد تا مردم علی‌رغم تمام گلایه‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌های مختلفی با حاکمیت همراهی کنند. البته جنس این همراهی در بخش‌هایی عمیق‌تر هم شده بود:

«وسط اشک‌ها و لبخندها نگاهی به رهبر انداخت و گفت: ما واسه شما می‌میریم آقا جان.»

از سوی دیگر اطاعت کردن از حکم ولی فقیه به‌عنوان رأس حکومت جمهوری اسلامی ایران، صرفاً تعلق به قشری خاص نداشت. این نشانگر افزایش مقبولیت و تنوع اقشار مردم در پذیرش حاکمیت جمهوری اسلامی و سرمایه اجتماعی بالای آن است. این امر در میان زنان که تفاوت‌های پوششی و فکری زیادی دارند قابل توجه و ملموس بود:

«دختر مو بافته به دوستانش اعتراض کرد که چرا فقط یک عکس از رهبر آوردند. دوستانش گفتند فقط یکی مانده بود. دختر اما می‌خواست به‌زور هم شده آن یک عکس را تصاحب کند. دخترک وقتی دید دستش خالی ماند شروع کرد به شعار دادن: خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست.»

5. بحث

پژوهش حاضر با بررسی زنانه‌نویسی‌های منتشرشده در بستر فضای مجازی در جنگ دوازده‌روزه، موفق به ترسیم لایه‌هایی عمیق از سوژگی زنان ایرانی شد که فراتر از کلیشه‌های رایجی است که تصویر قربانی یا قهرمان بی‌نقص از زنان ارائه می‌دهد. براساس مفاهیم حساس این پژوهش، نظیر سوژگی، کنش اجتماعی و تمایز آن با پدیده مصرف فرهنگی، نتایج بر عاملیت مسئولانه زنان در مواجهه با بحران تأکید می‌کند.

مفهوم سوژگی و عاملیت در سنت مطالعات فرهنگی، به فرایندهای گفتمانی و تاریخی‌ای اشاره دارد که در آن زنان به‌عنوان فاعلانی معنا‌ساز شکل می‌گیرند. سوژگی زنانه، نتیجه تعامل میان ساختارهای قدرت، نظام‌های بازنمایی و تجربه‌های زیسته

است. در بستر جنگ دوازده‌روزه، سوژگی زنان ایرانی در قالبی گفتمانی جلوه‌گر شده است. آنان در یادداشت‌ها و روایت‌های خود، تصویری از «زن مؤمن مقاوم و وفادار به انقلاب» می‌سازند؛ تصویری که هم درون گفتمان انقلاب اسلامی معنادار است و هم در سطح تجربه زیسته حامل شکل خاصی از عاملیت است. این سوژگی نه منفعل است و نه صرفاً بازتابی از گفتمان، بلکه محصول برخورد میان ایمان، عاطفه و موقعیت اجتماعی زن ایرانی در لحظه‌های بحرانی است.

برخلاف نگاه‌های رایج که عاطفه را عاملی محدودکننده می‌داند، عواطفی مثل ترس و رنج به ابزاری برای کنشگری قدرتمند تبدیل شده است. مضامین ثانویه کلیدی پژوهش، یعنی سوژگی عاطفه‌محور، زن وحدت‌آفرین و هدف مشترک ثابت کرد که زنان با مدیریت هیجانات خود از طریق اتکا به نیروی الهی، نه تنها کانون خانواده را حفظ کردند و حمایت‌گر خانواده خود بودند، بلکه با ایفای نقش فعال در بسیج عمومی، نقشی حیاتی در شکل‌گیری اتحاد ملی ایفا کردند.

درواقع زنان از طریق روایت، احساس، مراقبت و معنابخشی به رخدادها و وقایع نقش‌آفرینی کردند. از سوی دیگر در مواجهه با سختی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که رهبران انقلاب اسلامی بیان کرده بودند، زنان در یادداشت‌های خود معناسازی‌ها را با روایت‌هایی از جنگ دوازده‌روزه و پیوند آن با دفاع مقدس هشت‌ساله، به تصویری قابل‌درک و روشن بدل کردند؛ برای نمونه رهبر شهید انقلاب جمله معروف «نزدیک قله‌ایم، خستگی ممنوع» را در 26 مرداد 1402، یک سال قبل از وقوع جنگ دوازده‌روزه خطاب به مسئولان و آحاد مردم گفتند.¹ در روایت‌های زنان ایرانی زمان جنگ، سه گونه عاملیت قابل‌شناسایی است: عاملیت عاطفی که در آن زنان با بیان احساسات خود مثل ترس، امید، عشق و ایمان، نه تنها خود را تسلی می‌دهند، بلکه خانواده را در سطح روانی و معنوی حمایت می‌کنند. عاملیت عاطفی بخشی از کنش سیاسی غیرمستقیم آنان است؛ زیرا حفظ روحیه جمعی و استمرار امید در خانواده، به معنای مشارکت در مقاومت ملی است. گونه دیگر از عاملیت‌های سه‌گانه زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه، عاملیت روایی است. نوشتن و روایت‌گری خود نوعی کنش است که زنان با استفاده از آن می‌توانند معناسازی و تصویرگری از معناهای تولیدشده در دفاع از وطن، اتحاد مقدس، خستگی‌ناپذیری در حفظ استقلال کشور و هویت ایرانی را به‌واسطه آن انجام دهند. زنان با نوشتن، واقعیت را از زاویه دید خود بازتعریف می‌کنند و از موضع ناظر خاموش به موقعیت فاعل معناساز تبدیل می‌شوند. تولید روایت‌های خرد، کنشی برای تصاحب زبان و شکل‌دادن به حافظه جمعی از منظر زنانه است. گونه سوم از عاملیت زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه، عاملیت اخلاقی و آرمانی است. این گونه از عاملیت زن ایرانی، برآمده از دغدغه زنان ایرانی در وفاداری به ارزش‌های انقلاب و فرهنگ مقاومت است که البته نشانه‌های آن، شکلی تازه و منطبق با جامعه نسبتاً مدرن امروز ایران پیدا کرده است. شایان ذکر است که این نشانه‌های جدید از وفاداری زنان به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و فرهنگ مقاومت، که صادرشده از نسل جوان ایرانی است، در کنار نشانه‌های جوانان دیروز ایرانی که انقلاب اسلامی را رقم زدند، به‌عنوان دو بال پیشران پیروزی کشور در جنگ دوازده‌روزه ظاهر شدند. به عبارت دیگر، بروز زوجیت با هم‌نوایی این دو نوع از نشانه‌های میدانی از زنان ایرانی دو نسل از انقلاب (نسل جدید و نسل قدیم) خود در خلق عاملیت اخلاقی و آرمانی زنانه مؤثر بود. در گونه سوم، عاملیت زنانه در جنگ دوازده‌روزه، زن میان میدان خصوصی خانواده و میدان عمومی که جامعه بزرگ ایران است، پل می‌زند. او با درنظرگرفتن نقش‌های خانوادگی خود و توانمندی‌هایش، واقع‌بینانه نقطه حضور میدانی و مشارکت اجتماعی خود را مشخص می‌کند. در حقیقت زن ایرانی از طریق آرمان‌گرایی منطبق با واقعیت‌ها، میان نقش مادری و همسر، به نقش‌های تخصصی و شهروندی خود پل می‌زند تا در مدیریت بحران جنگ، مشارکت میدانی فعالانه داشته باشد. این کنش او به بازتولید آرمان‌های انقلاب، افزایش مشارکت اجتماعی، با همراه کردن اعضای خانواده به‌وسیله زنان در میدان همدلی اجتماعی و وحدت مقدس تداوم می‌بخشد.

1. <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=53579>

این سه سطح عاملیت نشان می‌دهد زن در روایت‌های جنگی، صرفاً بازتابندهٔ گفتمان نیست، بلکه در ایجاد معنا و استمرار آن مشارکت فعال دارد. در مضامین کلیدی این پژوهش، زنان با پررنگ کردن یاد خدا و توسل به اهل بیت (ع) در خانواده و جامعه، برپایی پرشکوه جشن غدیر، نماز جمعه و نمازهای جماعت مساجد، ارتباط با خدا و اتصال روحی به یاد خداوند و اهل بیت (ع) را در جامعه طنین‌انداز می‌کردند. به عبارت بهتر، سوژگی زنان ایرانی در ایام جنگ دوازده‌روزه در هر سه ساحتی که رهبر شهید انقلاب برای زن در راستای پروراندن شخصیت و هویتش یاد می‌کنند (فردی، خانوادگی و اجتماعی) متجلی شد. این امر در نسبت با جامعه، مانند نقالی چیره‌دست، ضمن بیان وقایع تاریخی معاصر در جنگ دوازده‌روزه، گریزی به وقایع تاریخی گذشته می‌زند. این امر در راستای تبیین صورت می‌گیرد.

زنانه‌نویسی‌های جنگ دوازده‌روزه، آشکارا زنان را دارای نقش تبیین «دشمن‌شناسی» برای جامعه معرفی می‌کند و آنان را به نیروهای مؤثری در هدایت مردان برای نبرد، پشتیبانی از مبارزه با دشمن از طریق تربیت کودک و نوجوان ایرانی به روحیهٔ شجاعت، وطن‌دوستی و ایمان مبدل می‌سازد. تصویر ارائه‌شده از زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه تصویری خیالی و ابرقهرمانی خستگی‌ناپذیر نیست. او نیز خسته، کلافه و وحشت‌زده می‌شد. او نیز گاهی احساس کم‌آوردن در برابر رنج‌هایی مانند ناامنی و شهادت عزیزان را به دوش می‌کشید. با این‌همه او خود را در مرکز دفاع از میهن، هم‌میهن و دین خود می‌دید. به عبارت دیگر، زن ایرانی در روایت‌های جنگ دوازده‌روزه، با اتخاذ نقش «خالق مقاومت»، اهداف دشمن متجاوز را به چالش کشید و به‌جای تبدیل شدن به «ابژهٔ قربانی»، نیروی محرکه‌ای برای پایداری شد. این کنشگری، ماهیت «فرهنگ‌پذیر» را به «فرهنگ‌ساز» تغییر داد. زنان در اینجا به‌جای مصرف‌کنندهٔ منفعل روایت‌های رسانه‌ای، خود به تولیدکنندگان فعال تاریخ شفاهی و حافظان هویت ملی بدل شدند. کنش آن‌ها نه در چارچوب پدیده‌های زودگذر مصرفی، بلکه در امتداد نظام‌های ارزشی پایدار، مانند میهن‌پرستی و دینداری قرار گرفت و موجب شد در نسبت با مصرف فرهنگی، این زنان در شرایط بحران و جنگ، تداوم‌دهندهٔ گفتمان، ارزش‌ها و نمادهای فرهنگی انقلاب اسلامی شوند.

این زنان با درونی‌سازی مفاهیم مقاومت، شهادت، ایمان و صبر، محتوای گفتمان رسمی انقلاب را بازتولید می‌کنند؛ یعنی آن را با زندگی روزمره و تجربهٔ شخصی پیوند می‌دهند. اما این مصرف منفعل نیست، بلکه نوعی مصرف خلاق است. زنان با بازتعریف تجربه‌ها، معنای جدیدی از وفاداری و ایثار می‌سازند که با تصویر رسمی همیشه همخوان نیست، بلکه گاهی آن را دگرگون می‌کند.

مصرف معنایی نیز در سطح زبان و بازنمایی اتفاق می‌افتد؛ در یادداشت‌های کوتاه، واژگان مذهبی، استعاره‌های ایثار و تصاویری از امید، نشانه‌هایی فرهنگی‌اند که زنان برای روایت خویش انتخاب می‌کنند. انتخاب، ترکیب و تکرار این نمادها در متن نشانگر کنش مصرفی معنا است؛ کنشی که خود به تولید معنا منجر می‌شود؛ بنابراین، مصرف فرهنگی در اینجا نه عمل خرید یا تقلید، بلکه لحظه‌ای از تولید هم‌زمان معنا و سوژگی زنانه است.

ترکیب مفاهیم سوژگی، عاملیت، مصرف فرهنگی، خرده‌روایت و عاطفه ما را به درک چندلایه‌ای از کنش زنانه در بستر جنگ می‌رساند. این مفاهیم در کنار هم، مدلی از سوژگی زنانه پیشنهاد می‌کند که نه صرفاً گفتمانی و نه کاملاً فردی، بلکه گفتمانی، عاطفی و روایی است. این سوژگی برگرفته از رویکرد الگوی سوم زن است.

الگوی سوم زن در نگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی، زنی است که هویت مستقل و نوینی از تعاریف متعارف زن شرقی خانه‌نشین و زن غربی معطوف به عناصر تنانگی دارد. به عبارت دیگر زن الگوی سوم زنی است که در مختصات مهم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نقش فعال و تعیین‌کننده ایفا می‌کند. این تعریف بیانگر آن است که زن الگوی سوم، نقشی تاریخ‌ساز برعهده دارد. یافته‌های مستخرج از پژوهش حاضر، مختصاتی مبنی بر تاریخ‌سازی زن ایرانی به‌عنوان انسان ظهوریافتهٔ الگوی سوم ارائه

می‌کند. او در جنگی که ناگهان رخ داده بود، میان «میدان» و «خانه» تعادل و هماهنگی ایجاد کرد که محور آن «مقاومت» بود. اعضای خانواده را به لحاظ روحی آرام می‌کرد و برای مقابله با دشمن به میدان می‌فرستاد. این میدان متناسب با جنسیت، سن و مهارت هریک از اعضا بود. زن ایرانی الگوی سوم تعادل بخشی میان میدان و خانه را در کنار اعتراف به ترسیدن از غرش جنگنده‌ها و موشک‌ها عنوان می‌کند. او ضمن مقاومت روحی خود، خانواده و حتی مردم محله، احساسات خود را نیز سرکوب یا انکار نمی‌کند، بلکه به آن‌ها جهت می‌دهد تا ارزش‌های مقاومت محقق شود.

6. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، این یادداشت‌ها نشان داد در مقاطع حساس تاریخی، عاملیت زنان ایرانی به یک کنش اجتماعی سازمان‌یافته محلی و مسئولانه تبدیل می‌شود که در آن، حفظ پیوستگی جامعه و تعهد به آرمان‌ها، تحت تأثیر مستقیم کنشگری فعالانه زنان قرار دارد. جنایات‌های رژیم صهیونیستی به پشتیبانی آمریکا در جنگ دوازده‌روزه، در جهاتی دارای قرابت و همسویی با جنایات داعش بوده است. جنایات ارتكابی داعش علیه زنان و کودکان سوری و عراقی در حملات جنایتکارانه، به دلیل نقض فاحش میثاقین، کنوانسیون چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی در دسته جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود (Ahmadinejad, 2023: 436). هدف قرار گرفتن مستقیم زنان و کودکان در منازل مسکونی که کاربری نظامی نداشتند و در عین حال در میدان بودن زنان به طرق مختلف، خود بیانگر خطیر بودن کنشگری زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه با وجود در تیررس دشمن بودن است. الگوی پارادایم فکری حاکم بر علوم اجتماعی، با توجه به آنکه در حوزه‌های مختلف، از جمله مطالعات زنان، نگاه غالب آن سرچشمه‌ای از معناسازی برآمده از غرب است، خودبه‌خود معناسازی‌های سایر کنشگران خارج از این دایره را نادیده می‌انگارد. باین‌همه، نوآوری‌های زنان ایرانی در کنشگری زنانه در جنگ، ساحتی جدید از سوژگی را رقم زده است که قابلیت ایجاد دریچه‌ای نو را در نظریه‌پردازی مطالعات زنان مبتنی بر انقلاب اسلامی دارد (Mansouri & Samadi, 2026: 834-835). این یافته‌ها بر ضرورت نگاهی فراتر از نقش‌های سنتی به زن در ادبیات جنگ و اهمیت بازتولید این تاریخ شفاهی عاملیت‌محور به‌وسیله نسل‌های آینده تأکید می‌کند تا دستاورد بزرگ اتحاد ملی در برابر چالش‌های آتی حفظ شود. دلیل این امر مهم این است که روایت‌های زنان از جنگ دوازده‌روزه، سندی زنده از تولید سوژگی قدرتمند و عاملیت‌محور است که در بستر فداکاری و اتحاد شکل گرفته و به‌طور ذاتی، مقاوم در برابر ایدئولوژی تقلیل‌دهنده مصرف فرهنگی عمل کرده است. این سوژگی ورای تصویری است که غالباً از زنان در جنگ‌ها ارائه می‌شود. در جنگ دوازده‌روزه، اراده‌ورزی زنان ایرانی برای تقابل با رژیم صهیونیستی و آمریکا در بطن جامعه منتشر شد. یادداشت‌ها روایت‌گر اشکال متنوع این اراده‌ورزی زنان ایرانی بوده است. این امر، عمق و استحکام هویتی جامعه ایرانی در مواجهه با تهدیدهای خارجی را بازتعریف می‌کند و بر ضرورت توجه به گفتمان‌های شفاهی زنانه، به‌عنوان منابع اصلی تحلیل‌های آینده در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و فرهنگی تأکید می‌ورزد.

7. پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود برای درک عمیق‌تر سوژگی زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه به‌طور ویژه‌تری به بررسی حضور زنان در عرصه‌های فوریت‌های پزشکی، امداد، هلال‌احمر و صدا و سیما پرداخته شود. نکته دیگری که نباید از آن غفلت کرد، ظرفیت بکر بازتاب تصویر حضور فعال زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه در مجامع و عرصه‌های بین‌المللی است.

8. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ahmadinejad, M. (2023). ISIS crimes against women and children from the perspective of international law and the role of Martyr Soleimani in confronting it. *Woman in Development & Politics*, 21(2), 407-443. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.349954.1008263> (In Persian)
- Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., & Sheikhzadeh, M. (2011). Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities). *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. <https://doi.org/10.30497/smt.2011.163> (In Persian)
- Björkdahl, A., & Mannergren, J. (2025). *Production of Gendered Knowledge of War*. London: Taylor & Francis.
- Bauman, Z., & May, T. (2025). *Thinking sociologically* (F. Ershad, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Bishara, A. (2024). *Al-Tufan: The war on Palestine in Gaza*. Doha: Arab Center for Research and Policy Studies.
- Ghasempour, F., & Goodarzi, N. (2021). Young girls' perception and perception of gender: A phenomenological study. *Cultural and Communication Studies*, 17(64), 185-210. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2021.44318> (In Persian)
- Giddens, A. (2005). *Global perspectives* (M. J. Jalaeipour, Trans.). Tehran: Tareh-e No Publications. (In Persian)
- Giddens, A. (2013). *Modernity and self-identity* (N. Movaqqian, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Haghshenash, Z. (2025). Traumatic Effects of War on Women in Alexievich's The Unwomanly Face of War. *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5(1), 181-199. <https://doi.org/10.22077/islsh.2024.8051.1500> (In Persian)
- Hall, D. (2017). *Subjectivity (Who or what are we?)* (H. Shahi, Trans.). Tehran: Parseh Book Publishing Company.
- Hedayatnia, F. (2017). *The third model: Women's behavioral model in the family and society* (2nd Ed.). Tehran: Lashgar-e Fereshtegan. (In Persian)
- Hall, S. (2014). *Meaning, culture and social life* (A. Golmohammadi, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Iman, M. T. (2012). *Methodology of qualitative research*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University Publications. (In Persian)
- Karimi, Sh., Nawabakhsh, M., & Azkia, M. (2018). Study of women's subjectivity in the formation of the discourse of the Islamic Revolution. *Sepehr Siasat*, 5(18), 87-104. (In Persian)
- Kluckhohn, C., & Kelly, W. H. (1945). *The Concept of Culture, in Ralph Linton(ed), The Science of Man in the World Crisis*. New York.
- Kellener, D. (2020). *Media Culture*. Routledge, London & New York.
- Khalegzadeh, M. H., & Velayati, L. (2020). The role of women in the literature of the imposed war. *Kharazmi Historical Journal*, 7(29), 18-33.
- Khomeini, R. (2010). *Sahifeh-ye Imam: Collection of works of Imam Khomeini (speeches, messages, interviews, decrees, religious permissions, and letters)* (Vols. 3, 7, 9). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)

- Lawler, S. (2015). *Identity: Sociological perspectives* (M. Farahmand, Trans.). Tehran: Jamee Shenasan Publications. (In Persian)
- Mansouri, S., & Samadi, M. (2026). The Cultural and Social Presence of Women in Local Activities and Organizations: Toward a Model of Women's Activism in the Islamic Republic of Iran. *Woman in Development & Politics*, 23(4), 807-841. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.408694.1008594> (In Persian)
- Mohammadi, K., Kalate-Sadati, A., Afrasiabi, H., & Farahmand, M. (2025). Isolation and the Inevitable Survival of Women during War and Post-War: A Qualitative Study in Afghanistan. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 3(2), 497-517. <https://doi.org/10.22034/jsc.2024.21773.1132> (In Persian)
- Motahari, M. (2005). *Collected works of Professor Shahid Motahari* (Vol. 17). Qom: Sadra. (In Persian)
- Nikkhah Ghamsari, N., & Hilali Sotoudeh, M. (2013). From Sexual Subject to Revolutionary Subject: Representation of Women in the Discourse of the Islamic Revolution. *Iranian Journal of Social Studies*, 7(3), 150-170. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20083653.1392.7.3.7.0> (In Persian)
- Ouditt, Sh. (1993). *Fighting Forces Writing Women Identity And Ideology in the First World War, London & NewYork*. Routledge Advances in Feminist Peace Research.
- Rezaei, M. (2004). The field of cultural production of Pierre Bourdieu. *Monthly Book of Social Sciences*, 78, 51-55. (In Persian)
- Stefanelli, M., & Skórzyńska, I. (2025). *Scars of War: Migration, Security and Sustainable Future, United Kingdom – North America – Japan- India – Malaysia – China*, Research In Political Sociology.
- Shahriari, F., & Baradaran Jamili, L. (2021). A Geocritical Rethinking of Iranian and American Female War Memoirs: Da and Rule Number 2. *Journal of Comparative Literature*, 12(23), 225-255. <https://doi.org/10.22103/jcl.2021.15347.3002> (In Persian)
- Taheri Kia, H., Davoudi, H., & Davari, S. (2022). *The visual culture of the worthy gender in Iran in the 1360s*. Tehran: Andisheh-e Ehsan. (In Persian)
- Weber, M. (1947). *The Theory of Social and Economic Organization*. Free Press Paperback.
- Zavarian, Z. (2025). A Semiotic-Phenomenological Analysis of War Short Stories Written by Women. *Journal of Namehfarhangestan*, 23(6), 28-50. <https://doi.org/10.22034/nf.2024.488038.1362> (In Persian)
- Zarvandi, M. (2004). The role of women in managing political and security crises. *Women and Families Cultural-Educational*, 1(3), 71-92. (In Persian)
- Yousefi Taha, M., Farmanian, M., & Dehghan, M. (2023). Study of the political attitude of Salafi Jihadi groups towards the role of women in Jihad. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Politics*, 11(23), 287-310. (In Persian)